



مشوش نامه

تالیف: محمدعلی سدیدالسلطنه کبابی

مختلص به عاری

(۱۲۹۱-۱۳۲۰ / ۱۲۶۲-۱۲۹۲)



مقدمه، تصحیح، تحقیق و توضیح: دکتر مصطفی باباخانی

مشوش‌نامه تذکره شاعران معاصر مؤلف خود است؛ این کتاب از حیث سندیت و اصالت، تذکره‌ای مستند و محققانه به شمار می‌رود. در تذکره مشوش‌نامه چون دیگر تذکره‌ها می‌توان بخش عمده مواد تاریخ ادبی آن دوره را درون آن جست؛ به علاوه، بیش از اینکه ارزش ادبی داشته باشد، ارزش تاریخی و جامعه‌شناختی فراوانی نیز دارد؛

مؤلف مشوش‌نامه محمدعلی‌خان سدیدالسلطنه کبابی در سال ۱۲۹۱ قمری در بغداد متولد شد و در بوشهر نشو و نما یافت و تحصیل کرد و در سال ۱۳۲۰ شمسی در بندرعباس وفات نمود. وی آثار ماندگاری در زمینه ایران‌شناسی به‌ویژه خلیج فارس شناسی و جغرافیای تاریخی سواحل و جزایر خلیج فارس از خود به یادگار گذاشته است.

این اثر، با حمایت اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی بندرعباس انتشار یافته است

طراح: مریم عمراو

978-964-231-261-0



9 789642 312610



بندرعباس، بلوار پاسداران، اتاق بازرگانی
صنایع، معادن و کشاورزی بندرعباس
تلفن: ۱۱-۳۳۵۶۲۱۰ (۰۷۶) فکس: ۱۷-۳۳۵۵۰۱۷ (۰۷۶)



نشانات آرون

تهران-میدان انقلاب-خیابان اردیبهشت
خیابان نظری- پلاک ۱۰۵- واحد ۳
تلفن: ۶۶۹۶۲۸۵۰ تلفکس: ۶۶۹۶۲۸۵۱

مشوش نامه

تأليف

محمد علی سید السلطنه کبابی

مختص به عاری

(۱۲۹۱-۱۳۶۰ ق/ ۱۲۵۳-۱۳۲۰ ش)

مقدمه، تصحیح، تحقیق و توضیح: دکتر مصطفی بلباخانی



انشارات آرفون

سرشناسه	: سدید السلطنه کبابی، محمدعلی، ۱۲۵۳ - ۱۳۲۰
عنوان و نام پدیدآور	: مشوش نامه / مؤلف: محمدعلی سدیدالسلطنه کبابی متخلص به عاری؛ مقدمه، تصحیح، تحقیق و توضیح مصطفی باباخانی
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	: ۵۴۸ ص - مصور
شابک	: ۰ - ۲۶۱ - ۲۳۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: سدید السلطنه، محمدعلی، ۱۲۵۳ - ۱۳۲۰
موضوع	: اتاق بازرگانی بندرعباس
موضوع	: شاعران ایرانی - سرگذشت نامه - شعر فارسی - قرن ۱۳ - مجموعه‌ها
شناسه افزوده	: باباخانی - مصطفی - ۱۳۵۶
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۳ م ۵ / ۳ ۴ PIR ۴۱۸۰
رده‌بندی دیوینی	: ۸ فا ۱/۰۰۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۷۳۱۷۳۶

این اثر با حمایت و پشتیبانی مالی و معنوی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی بندرعباس به چاپ رسیده است.



انتشارات آرون

مشوش نامه

مؤلف: محمدعلی سدیدالسلطنه کبابی متخلص به عاری

مقدمه، تصحیح، تحقیق و توضیح: دکتر مصطفی باباخانی

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۳۹۴

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

۴۵۰۰۰ تومان



کتابخانه تخصصی اوستا

به نام آن که هستی نام از او یافت

تقدیم به:

بزرگ‌استاد و پدر روحانی و معنوی ام
حضرت آیت‌الله‌العظمی حاج سید مصطفی حسینی دشتی
که از دوران نوجوانی به محضرشان راه یافتم و
از خرمن دانششان خوشه‌ها چیدم
و در راه دانش‌اندوزی بهترین سرمشق و مشوقم بوده‌اند.

و

مهربان‌استادم
دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی
که هنوز آوازش در گوش جانم است
آنگاه که سر کلاس به دانشجویان می‌گفت:
«بچه‌ها نسخه خطی تصحیح کنید تا باسواد شوید».

و

استاد احمد اقتداری خلیج‌فارس شناس مبرز
که در معرفی و شناساندن سدید السلطنه و احیای آثار وی
از همگان فضیلت تقدّم دارند.

فهرست مطالب کتاب مشوشرنامه

۷ فهرست عنوانها و نام شاعران
۱۳ فهرست مطلع بیتها به انضمام نام سرایندگانشان
۳۹ یادداشت مصحح
۴۱ مقدمهٔ اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی بندرعباس
۵۳ سرسخن
۵۵ مقدمهٔ مصحح
۷۳ معرفی تفصیلی مشوشرنامهٔ سدیدالسلطنه کبابی
۹۵ متن کتاب مشوشرنامه
۵۱۱ ملحقات کتاب مشوشرنامه
۵۳۵ کتابنامه
۵۳۹ تصویرها

یادداشت مصحح

از جمله مسائلی که معمولاً پژوهشگران با آن روبه‌رو هستند، مسئله چاپ و انتشار آثارشان است. یکی از اهداف پژوهش، قطعاً این است که تحقیق و تصحیحی که انجام یافته در شکل مقاله و یا کتاب منتشر شود و در معرض دید خوانندگان و اهل علم قرار بگیرد و نقد و بررسی شود تا هم ارزش اثر معلوم شود و هم اگر نکته یا نکات آموختنی‌ای در آن باشد مورد استفاده دیگران قرار گیرد و از این طریق به پویایی و شکوفایی علم و دانش کمک کند؛ اما این روزها به سبب مشکلات اقتصادی و اجتماعی و غیره که همه ما می‌دانیم و در اینجا نیازی به گفتن آن نیست، انتشار هر اثری با مشکلات گوناگونی مواجه می‌شود و گاهی پژوهشی که سالها وقت صرف آن شده است، به سبب چاپ نشدن بلااستفاده می‌ماند. نگارنده این سطور هم پس از اینکه تمام کارهای پژوهشی و فنی کتاب پیش رو پایان یافت، با چنین مشکلی مواجه شدم؛ به علت حجیم بودن کتاب، سرمایه زیادی برای چاپ صرف می‌شد و هر ناشری زیر بار چنین هزینه‌هایی نمی‌رفت؛ از این رو برای یافتن حامی مالی و سرمایه‌گذار به نهادها و مؤسسات گوناگونی سرزدم و پیشنهاد انتشار آن را دادم، اما هر بار با دری بسته روبه‌رو می‌شدم؛ تا اینکه دوست دیرین خیرخواه و نیک‌نفسم جناب آقای حاج مختار قاسمی از این موضوع باخبر شدند و کتاب را دیدند و با چندین جا صحبت کردند و پیشنهاد انتشار آن را دادند؛ از جمله اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی بندرعباس. اعضای اتاق بازرگانی بندرعباس پس از مطالعه درخواست اینجانب که به همراه معرفی اجمالی از کتاب *مشوش‌نامه* و مؤلف آن برایشان فرستاده بودم، در یکی از جلسه‌های رسمی خود مسئله انتشار این اثر را مطرح کردند و با موافقت همه اعضا سرمایه‌گذاری برای آن را تصویب نمودند. خود نیز در دیداری که با رئیس محترم و دیگر اعضای اتاق بازرگانی بندرعباس داشتم، با انسانهایی فرهنگی و دانش‌دوست و نیک‌نفس روبه‌رو شدم که آماده هر نوع حمایت مادی و معنوی بودند؛ تا جایی که رئیس محترم به من

فرمودند که دل آسوده‌دار که اگر اتاق بازرگانی بندرعبّاس در خصوص سرمایه‌گذاری برای این کتاب با مشکل مواجه شود خود شخصاً شما را دستگیری خواهم کرد.

بر خود لازم می‌دانم که از تمام کسانی که در این زمینه تلاش نمودند و با حمایت‌های مادی و معنوی خود در مسیر علم و دانش و احیای میراث گذشتگان گام برداشتند و کارهای فرهنگی کردند سپاسگزاری کنم؛ از جمله از آقای محمّدامین صباغی‌زاده، رئیس محترم، آقای محمّد یوسف‌زاده، دبیر اجرایی، خانم شیما کریمی، مسئول انتشارات و دیگر اعضای محترم اتاق بازرگانی بندرعبّاس و نیز آقای دکتر مهدی اصغری مقدم، رئیس مرکز داوری اتاق بازرگانی دفتر بندرعبّاس، کمال تشکّر و قدردانی را دارم. همچنین از آقای حاج مختار قاسمی دبیر اجرایی اتاق بازرگانی بوشهر که واسطهٔ خیر شدند و در این زمینه تلاش کردند سپاسگزارم. قطعاً نام این بزرگواران با کارهای خیری که انجام داده‌اند بر صحیفهٔ تاریخ خواهد ماند و آیندگان از آنان به نیکی یاد خواهند کرد. با توجه به اینکه کتاب مشوَش‌نامه خود تذکره‌ای از رجال گذشته است مناسب دیده شد تا خوانندگان با اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی بندرعبّاس و فعالیتها و افرادی که با آن همکاری کرده‌اند و منشأ خدماتی بوده‌اند آشنا شوند؛ این مهم را ریاست محترم آن آقای صباغی‌زاده به عهده گرفتند و مقدمه‌ای نوشتند که در پی خواهد آمد.

مقدمه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی بندرعباس

پیش درآمد

کهن میهن عزیزمان ایران علاوه بر اینکه سرشار از منابع مالی است و زمینه‌های اقتصادی و تجاری و صنعتی فراوانی از گذشته تا کنون داشته است و دارد، سرزمینی است که در شمار ملل متمدن گذشته عالم است و به فرهنگ می‌بالد و از اعماق دوران تاریخی تاکنون دانش و فرهنگ است که آن را زنده و بالنده نگاه داشته است و با داشتن فرهنگ عظیم خود بر جهانیان فخر کرده است. در جای‌جای این سرزمین دانشمندان و شاعران و نویسندگان بزرگی سربرافراشته‌اند و آثار ارزشمندی به وجود آورده‌اند که از جمله میراث انسانی، علمی و فرهنگی بشر به شمار می‌رود. یکی از بزرگ‌فرهنگیان ایران زمین سدیدالسلطنه کبابی است که تألیفات فراوانی در زمینه تاریخ و جغرافیا و فرهنگ ایران به‌ویژه منطقه جنوب و پیرامون خلیج فارس و دریای عمان دارد. سدیدالسلطنه در جنوب ایران نشو و نما یافت و منشأ خدمات فرهنگی و علمی و سیاسی فراوانی گردید، به‌طوری‌که شهرت وی از مرزهای ایران گذشت و از بعضی دولت‌های خارجی نشانهای افتخار دریافت داشت و در بندرعباس درگذشت و اینک خاک‌جای آن در همین شهر است. برخی از نهادهای فرهنگی هرمزگان از جمله میراث فرهنگی و دانشگاه هرمزگان پیش‌تر اهمیت این بزرگ‌مرد و آثار او را دریافتند و برای او گرامی‌داشت برگزار کردند و تلاش‌های فراوانی در زمینه معرفی وی و آثارش به جامعه فرهنگی نمودند. اینک برای اتاق بازرگانی بندرعباس مایه بسی خرسندی است که در کنار فعالیتهای اقتصادی خود، با امکاناتی که دارد منشأ خدمات فرهنگی نیز شود و برای حفظ و احیای میراث گذشتگان گام بردارد و در جهت شناخت و بازیابی هویت‌های ملی و فرهنگی، به‌ویژه برای نسل جوان، تلاش نماید؛ از این‌رو با حمایت‌های خود موجبات چاپ و انتشار یکی از آثار مهم سدیدالسلطنه کبابی را فراهم می‌کند. رئیس اتاق بازرگانی بندرعباس و دیگر اعضا از آقای دکتر مصطفی باباخانی سپاسگزار است که یکی از تألیفات سدیدالسلطنه کبابی را با عنوان *مشوئش‌نامه* که به‌صورت نسخه خطی در گوشه یکی

از کتابخانه‌ها بلااستفاده مانده بود یافتند و براساس موازین علمی نسخه‌شناسی و تصحیح متن، تصحیح کرده، با مقدمه، تحشیه و توضیحات لازم آماده چاپ و انتشار نمودند و به ما سپردند. به منظور آشنایی خوانندگان با مجموعه اتاق بازرگانی بندرعباس در پی شرحی از فعالیتها، تاریخچه و یادکردی از برخی اعضای اتاق بازرگانی بندرعباس از بدو تأسیس تاکنون می‌آید. جالب توجه است که نام اولین رئیس اتاق بازرگانی بندرعباس در مشوئش‌نامه آمده است و مولوی اوزی (محمد بن عبدالرحمن یکی از علما و فضلا که اهل اوز و مقیم بندرعباس بوده‌اند) به مناسبت مسجدی که ایشان در سال ۱۳۳۴ هـ. ق بنا کرده بوده است دو قطعه شعر عربی و فارسی به شرح زیر در مدح ایشان سروده است:

لقد رضی المهیم عن کریم	بنی ذالمسجد الاعلی البدیعاً
یلیق رجاءه یوم‌القیامه	بأن کان الرسول له شفیعاً
أجاد الگله‌داری شیخ أحمد	و فاز بجوده فوزاً وسیعاً
و شم المولوی ریحان تاریخ	فنال البرّ خیره جمیعاً
فیجعله الإله الربّ الاعلی	کذا فی کلّ خیر مستطیعاً

مسجدی صحن و فضایش دلگشا و باصفا تا که از آب و هواش آسوده و راحت کند یابد اندر هر دو عالم احمد بانی یقین «مولوی» گوینده ابیات هم دارد امید زینت آمد در سه کس دنیا سه چیز بی نظیر حالیا توفیق حق ببینید و لطف کردگار گله‌داری حاج شیخ احمد که اندر عصر ما از در همت به نصر ایزد از مال حلال مسجدی پاک و منزّه از عیوب و اعوجاج حمد و تسبیح خدا خوانند و صلوات رسول سال تاریخش تفکر شد به گوش آمد ز غیب وافق اوزی نیز به همین مناسبت قطعه شعر دیگری سروده است که خوانندگان را به متن مشوئش‌نامه ارجاع می‌دهیم.

حوض و برکه با شبستانش به خوبی دلپذیر پیر و کور و عاجز و شخص غریب مستجیر در جزای این عمل از کردگار اجر کثیر رحمة‌الله علیه از هر صغیر و هر کبیر حلم در عالم، کرم در اغنیا، صبر از فقیر همت علیا و جود حاتمی حسن ضمیر هم به حلم و جود و هم صبر است در عالم شهیر کرده است احداث این مسجد به اوصافی جدیر تا که در وی راکع و ساجد شود برنا و پیر ذکر و قرآن و نماز و طاعت ربّ بصیر نعم مبنی بل و نعم المکرما نعم النّصیر

اتاق بازرگانی بندرعباس از بدو تأسیس تا حال

بندرعباس به عنوان یکی از قطبهای تجاری و صنعتی ایران تاریخ پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است؛ در دل این شهر بزرگ، اتاق بازرگانی هم برای خود تاریخی دارد؛ این نهاد خصوصی نقطه آغازی داشته است و اندک اندک بالیده و رشد کرده و به پرباری و رونق امروزی خود رسیده است؛ افراد گوناگونی از صنف تاجر و صنعتگر در این بخش خصوصی فعالیت کرده اند و منشأ خدماتی شده اند و آثار خیری برجای گذاشته اند؛ از این رو جا دارد که از آنان یاد کنیم و اندک اشارتی به فعالیت‌هایشان در این زمینه نماییم. در واقع هدف از نگارش تاریخچه‌ای مختصر از این بخش خصوصی این است که با یادآوری نام نیک پیشکسوتان عرصه تجارت و صنعت و معدن در استان مستعداً هرمزگان هم از آنان قدردانی شود و هم دیگر فعالان اقتصادی استان برای شرکت در این گونه فعالیت‌های عام‌المنفعه و صنعتی تشویق و ترغیب گردند.

الف) اتاق تجارت ایران - شعبه بندرعباس

در ۱۶ مهرماه ۱۳۰۵ اولین اتاق تجارت ایران در وزارت بازرگانی در تهران تشکیل شد و در سال ۱۳۰۹ قانون اتاقهای تجارت در ۵ فصل و ۳۵ ماده به تصویب رسید. به موجب ماده اول این قانون، تأسیس اتاقهای تجارت در مراکز تجاری مهم مملکتی، برحسب تقاضای تجار محل و پیشنهاد وزارت اقتصاد ملی و با تصویب دولت، واقع می‌شود. پس از این تاریخ بود که در سال ۱۳۱۱ اتاق تجارت بندرعباس هم تأسیس شد. به سبب کمبود مدارک و اسناد از گذشته اتاق تجارت بندرعباس، به دست دادن تاریخ دقیق و نام بردن از همه اعضا و فعالان این مجموعه بسیار دشوار می‌نماید؛ از این رو بهتر است با نقل قول مستقیم از صورت جلسه اولین نشست اتاق تجارت بندرعباس سخن خود را مستند کنیم و از لغزشهای احتمالی در این زمینه پرهیز نماییم.

«اولین جلسه اتاق تجارت بندرعباس در ساعت یک بعد از ظهر سه شنبه ۱۲ مهرماه ۱۳۱۱ به ریاست حکومت جلیله در دارالحکومه تشکیل، پس از بیانات از طرف حکمران جلیله در منافع اتاق تجارت و کوشش در ازدیاد صادرات و توجهات دولت معظم به امور تجارتي، جلسه به ریاست حکومت جلیله تشکیل و حاضرین به موجب ذیل:

حاج شیخ احمد گله‌داری، حاج مختار مشیر دوانی، حاج میرشمس‌الدین شمس اوزی، مهدی ناظم‌پور، و دو نفر از اهالی منتخبین، حاج حبیب‌الله صداقت لاری و حاج میرحاجی صدیق اوزی به واسطه مسافرت لار و خراسان حاضر نبودند. قبلاً برای هیئت رئیسه با اکثریت آراء، حاج شیخ احمد گله‌داری: رئیس، حاج مختار مشیری: نایب‌رئیس، میرحاجی صدیق:

صندوقدار، مهدی ناظمپور: منشی تعیین، و سپس به ریاست حاج شیخ احمد گله‌داری مجلس ادامه پیدا نمود و تا موقع تعیین محلّ مخصوص برای اتاق تجارت، موقتاً در تجارتخانه حاج شیخ احمد گله‌داری جلسات تشکیل شود. جلسه آتی موكول به روز سه‌شنبه ۱۸ مهرماه ۱۳۱۱ ساعت چهار بعدازظهر تعیین و جلسه با امضاء حکومت بندرعبّاس، حاج شیخ احمد گله‌داری، حاج مختار مشیر دوانی، حاج میرشمس‌الدین اوزی، مهدی ناظمپور خاتمه پیدا نمود.

جلسه دوم در رأس موعد تعیین شده و در محلّ تجارتخانه حاج شیخ احمد گله‌داری و با حضور حکمران تشکیل گردید. طبق مدارک به جای مانده، در اغلب جلسات بعدی که معمولاً با حضور حکمران و رئیس گمرک تشکیل می‌شد، بیشتر درباره مسائل تجاری روز و یا سهمیه قند و شکر و کبریت مصرف شهر بندرعبّاس و حوزه‌های تابعه و ترمیم و اصلاح جاده‌ها و دیگر امور اصلاحی مذاکره می‌کردند؛ برای مثال، درباره سهمیه قند و شکر که عبارت از یکصد کیسه شکر و چهارصد کیسه قند بود و اینکه حمل قند و شکر وارداتی به داخل کشور را به ۱۵ نفر از تجار که قبل از قانون انحصار در این رشته فعالیت داشتند واگذار گردید، بحث و تبادل نظر می‌شد.

در تاریخ ۱۳۱۲/۴/۲۱ محلی در بازار بندرعبّاس برای استقرار اتاق تجارت انتخاب شد و جلسات بعدی در آن مکان استیجاری تشکیل گردید.

به علت کسالت رئیس اتاق و غیبت هیئت‌رئیس در تاریخ ۱۳۱۲/۱۱/۵ مجدداً در دارالحکومه جلسه‌ای به ریاست حکمران تشکیل شد و طی انتخابات میان‌دوره‌ای، هیئت‌رئیس جدید به شرح زیر انتخاب شدند:

۱. حاج مختار مشیری: رئیس؛ ۲. حاج میرشمس‌الدین شمس: نایب‌رئیس؛ ۳. علی‌اکبر تدینی: صندوقدار؛ ۴. مهدی ناظمپور: منشی.

اعضای اتاق در دوره دوم که از ۱۳۱۴/۱۱/۱۴ تا ۱۳۱۷/۱۰/۱ دوام یافت بدین شرح است: ۱. حاج میرشمس‌الدین شمس: رئیس؛ ۲. حاج محمدرحیم دوانی: نایب‌رئیس؛ ۳. حاج میرحاجی صدیق: منشی؛ ۴. حاج میرمحمد ارفعی: صندوقدار. دوره سوم نیز که از ۱۳۱۸/۱/۱۴ تا ۱۳۲۰/۱۲/۱۸ به طول انجامید، همان هیئت‌رئیس دوره دوم دوباره انتخاب شدند.

اعضای اتاق در دوره چهارم که از ۱۳۲۱/۴/۹ تا ۱۳۲۳/۸/۴ دوام یافت، بدین شرح است: ۱. حاج میرشمس‌الدین شمس: رئیس؛ ۲. حاج محمدرحیم دوانی: نایب‌رئیس؛ ۳. محمّدجواد رضا: منشی.

اعضای اتاق در دوره پنجم که از ۱۳۲۳/۹/۲۸ تا ۱۳۲۵/۹/۲۸ دوام یافت، بدین شرح است: ۱. حاج میرشمس الدین شمس: رئیس؛ ۲. حاج محمدرحیم دوانی: نایب رئیس؛ ۳. حاج میرحاجی صدیق: منشی؛ ۴. شیخ عبدالجلیل انصاری: صندوقدار. از آخر فروردین ۱۳۲۸ تا آبان ماه ۱۳۳۴ هیچ گونه مدرکی در دست نیست که احتمالاً دوره فترت اتاق بوده است.

اعضای اتاق در دوره ششم که از ۱۳۲۶/۲/۱۰ تا ۱۳۲۸/۱/۲۷ دوام یافت، بدین شرح است: ۱. حاج شیخ احمد گله داری: رئیس؛ ۲. حاج عبدالرحمان فریدونی: نایب رئیس؛ ۳. حاج عبدالرحیم بلوکی: صندوقدار؛ ۴. حاج میرحاجی صدیق: منشی.

اعضای اتاق در دوره هفتم که از ۱۳۳۴/۸/۱۴ تا ۱۳۳۷/۶/۶ دوام یافت، بدین شرح است: ۱. حاج شیخ احمد گله داری: رئیس؛ ۲. حاج میرحاجی صدیق: نایب رئیس اول؛ ۳. محمدسعید روستا: نایب رئیس دوم؛ ۴. محمد بدری: منشی اول؛ ۵. عبدالرضا جلالی: منشی دوم.

اعضای اتاق در دوره هشتم که از ۱۳۳۷/۱۱/۶ تا ۱۳۳۷/۱۱/۱۹ دوام یافت، بدین شرح است: ۱. حاج شیخ احمد گله داری: رئیس؛ ۲. محمود روانشید: نایب رئیس اول؛ ۳. حاج محمدرضی بلوکی: نایب رئیس دوم؛ ۴. حاج میرحاجی صدیق: منشی اول؛ ۵. محمد بدری: منشی دوم.

در دوره نهم که از ۱۳۴۰/۱/۲۶ تا ۱۳۴۴/۳/۱۵ دوام یافت، هیئت رئیسه مانند دوره هشتم انتخاب شدند، به جز اینکه نایب رئیس اول به جای آقای محمود روانشید، آقای ظفری بوده است.

اعضای اتاق در دوره دهم که از ۱۳۴۴/۱۰/۲۶ تا ۱۳۴۸/۱/۲۷ دوام یافت، بدین شرح است: ۱. حاج میرحاجی صدیق: رئیس؛ ۲. محمد بدری: نایب رئیس اول؛ ۳. حاج قاسمعلی مدنی: نایب رئیس دوم؛ ۴. حاج حسین فرحبخش: منشی اول؛ ۵. حاج غلامعلی مشیری: منشی دوم؛ ۶. حاج عبدالله بلوکی: خزانه دار؛ ۷. سید عبدالله اقبال: عضو؛ ۸. محمدسعید روستا: عضو؛ ۹. میرعبدالله شمس: عضو.

اعضای اتاق در دوره یازدهم که از ۱۳۴۸/۲/۴ تا ۱۳۴۹/۱۲/۱۵ دوام یافت، بدین شرح است: ۱. حاج میرحاجی صدیق: رئیس؛ ۲. محمد بدری: نایب رئیس اول؛ ۳. حاج قاسمعلی مدنی: نایب رئیس دوم؛ ۴. سید عبدالله داعی: منشی اول؛ ۵. حاج غلامعلی مشیری: منشی دوم؛ ۶. محمدشریف فریدی: خزانه دار؛ ۷. سید عبدالله اقبال: عضو؛ ۸. محمدعلی شریف: عضو؛ ۹. حاج حسین فرحبخش: عضو؛ ۱۰. میرعبدالله شمس: عضو؛ ۱۱. ابراهیم سعدی: عضو.

این دوره، آخرین دوره اتاق بازرگانی بندرعباس به عنوان اتاق بازرگانی به طور خاص بود و در اسفندماه ۱۳۴۹ قانون جدید ادغام اتاقهای بازرگانی و صنایع و معادن به تصویب مجلس

رسید و دوره یازدهم اتاق بندرعباس پس از تشکیل ۱۴ جلسه خاتمه یافت و مجدداً انتخابات صورت گرفت؛ سپس دوره دوازدهم که می‌توان آن را اولین دوره ادغام نام برد، تشکیل شد.

ب) اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران - شعبه بندرعباس

اعضای اتاق در دوره اول که از ۱۳۴۹/۱۲/۲۳ تا ۱۳۵۳/۱۲/۲۳ دوام یافت، بدین شرح است: ۱. میرحاجی صدیق: رئیس؛ ۲. محمد بدری: نایب‌رئیس اول؛ ۳. حاج قاسمعلی مدنی: نایب‌رئیس دوم؛ ۴. حاج غلامعلی مشیری: منشی؛ ۵. محمدشریف فریدی: خزانه‌دار؛ ۶. سیدعبدالله اقبال: عضو؛ ۷. حاج حسین فرح‌بخش: عضو؛ ۸. محمدعلی شریف: عضو؛ ۹. میرعبدالله شمس: عضو؛ ۱۰. ابراهیم سعدی: عضو.

اعضای اتاق در دوره دوم که از ۱۳۵۴/۱/۲۴ تا ۱۳۵۷/۱۲/۲۱ دوام یافت، بدین شرح است: ۱- میرحاجی صدیق: رئیس؛ ۲. محمد بدری: نایب‌رئیس اول؛ ۳. حاج قاسمعلی مدنی: نایب‌رئیس دوم؛ ۴. حاج غلامعلی مشیری: منشی؛ ۵. حاج محمدشریف فریدی: خزانه‌دار؛ ۶. حاج حسین فرح‌بخش: عضو؛ ۷. حاج ابراهیم بلوکی: عضو؛ ۸. میرعبدالله شمس: عضو؛ ۹. میرهاشم امیرزاده شمس: عضو؛ ۱۰. محمدابراهیم احمدی: عضو؛ ۱۱. عبدالقادر انصاری: عضو؛ ۱۲. آقای عبدالله شبان‌آزاد: عضو.

ج) اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران - شعبه بندرعباس پس از پیروزی انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، در تاریخ ۱۳۵۸/۲/۳۱ از طرف اتاق ایران و استاندار وقت استان هرمزگان، به‌منظور رتق و فتق امور جاری اتاق بندرعباس، چهار نفر از بازرگانان به‌عنوان هیئت‌رئیس موقت اتاق تعیین شدند و حدود پنج سال، یعنی تا ۱۳۶۲/۱۰/۲۶ اداره امور اتاق بندرعباس را به دست گرفتند؛ اسامی هیئت‌رئیس موقت بدین شرح است: ۱. محمد بدری؛ ۲. حاج قاسمعلی مدنی؛ ۳. حاج حسین بلوکی؛ ۴. حاج رجب حیدری هنگامی. شایان ذکر است که در خردادماه سال ۱۳۶۰ از طرف اتاق ایران، مرحومان حاج غلامعلی مشیری و محمدرسول صبّاغی‌زاده به جای مرحومان محمد بدری و حاج قاسمعلی مدنی به عضویت هیئت‌رئیس موقت تعیین شدند.

از همان اوایل سال ۱۳۵۹ سخن از برپایی انتخابات اتاق بازرگانی بندرعباس به میان آمد و حتی اولین جلسه انجمن نظارت بر انتخابات اتاق در اردیبهشت‌ماه همان سال با حضور آقایان ابراهیمی مدیر کل وقت بازرگانی و محسنی مدیر کل وقت صنایع و معادن و مصباح نماینده استانداری در محل اتاق بندرعباس تشکیل شد و نامه‌های هجده نفر از داوطلبان عضویت در هیئت نمایندگان اتاق ثبت گردید؛ لیکن امر انتخابات بنا بر شرایط زمانی،

به‌ناچار مدتی به درازا کشید و پس از چند بار تمدید، سرانجام در تاریخ ۱۳۶۲/۱۱/۱۲ برگزار شد؛ نام و سمت افراد منتخب در پی خواهد آمد.

اعضای اتاق در دوره اول که از ۱۳۶۲/۱۱/۱۲ تا ۱۳۷۰/۲/۳ دوام یافت، بدین شرح است: ۱. محمدرسول صباغی‌زاده: رئیس؛ ۲. عبدالله شبان‌آزاد: نایب‌رئیس اول؛ ۳. مصطفی محمدنظر: نایب‌رئیس دوم؛ ۴. محمدعظیم علوی: خزانه‌دار؛ ۵. محمدابراهیم احمدی: منشی؛ ۶. عدنان جامعی: نماینده اتاق بندرعباس در اتاق ایران؛ ۷. عبدالله بدری: عضو؛ ۸. قنبر اوج هرمزی: عضو؛ ۹. ماشاءالله خوارزمی: عضو؛ ۱۰. غلام حسینی: عضو؛ ۱۱. قاسم البرزی: عضو؛ ۱۲. کرامت برفروشان: عضو. این دوره، به علت عدم تجدید انتخابات، به مدت هشت سال ادامه یافت.

اعضای اتاق در دوره دوم که از ۱۳۷۰/۲/۲۲ تا ۱۳۷۳/۱۲/۱۷ دوام یافت، بدین شرح است: ۱. محمدرسول صباغی‌زاده: رئیس؛ ۲. عبدالله شبان‌آزاد: نایب‌رئیس اول؛ ۳. محمود خسروی: نایب‌رئیس دوم؛ ۴. رجب حیدری هنگامی: خزانه‌دار؛ ۵. محمد ترابی: منشی؛ ۶. عبدالعزیز امیرزاده شمس: نماینده اتاق بندرعباس در اتاق ایران؛ ۷. محمدرضا فرح‌بخش یزدی: عضو؛ ۸. عبدالله باغستانی: عضو؛ ۹. محمدحسن امراللهی: عضو؛ ۱۰. شوکتعلی دانشمند: عضو؛ ۱۱. سیدابراهیم فرهمند: عضو؛ ۱۲. منوچهر غلامیان: عضو.

این آخرین دوره‌ای بود که اعضای انتصابی اداره‌های کل بازرگانی و صنایع و معادن در بین اعضای هیئت‌رئیس و اعضای هیئت نمایندگان شرکت می‌کردند و اتاقهای بازرگانی و صنایع و معادن در سراسر کشور با به دست آوردن استقلال مجدد، توانستند امتیاز صدور کارت بازرگانی را نیز دوباره به دست بگیرند و طلیعه خصوصی‌سازی در کارهای اقتصادی که مدتی در اثر جنگ به‌ناچار کم‌فروغ گشته بود، مجدداً پدیدار گشت.

اعضای اتاق در دوره سوم که از ۱۳۷۳/۱۲/۱۸ تا ۱۳۷۷/۶/۲۱ دوام یافت، بدین شرح است: ۱. عبدالله باغستانی: رئیس؛ ۲. محمدرسول صباغی‌زاده: نایب‌رئیس اول؛ ۳. عبدالله شبان‌آزاد: نایب‌رئیس دوم؛ ۴. رجب حیدری هنگامی: خزانه‌دار؛ ۵. محمود مستوری: منشی؛ ۶. عدنان جامعی: نماینده اتاق بندرعباس در اتاق ایران؛ ۷. هوشنگ تقوایی سورویی: عضو؛ ۸. عبدالعزیز امیرزاده شمس: عضو؛ ۹. شوکتعلی دانشمند: عضو؛ ۱۰. طیب فضیلت: عضو؛ ۱۱. ابراهیم زیانی: عضو؛ ۱۲. مهدی جوادی: عضو؛ ۱۳. محمد کنگانی: عضو؛ ۱۴. علی باژیان: عضو؛ ۱۵. محمدرضا فرح‌بخش یزدی: عضو.

شایسته یادآوری است که هنوز چند ماهی از این دوره نگذشته بود که محمدرسول صباغی‌زاده به رحمت ایزدی پیوستند، ازاین‌رو عبدالعزیز امیرزاده شمس به سمت

نایب‌رئیس اول و به جای عدنان جامعی که به خارج از ایران مهاجرت نمود، هوشنگ تقوایی سورویی به‌عنوان نماینده اتاق بندرعباس در اتاق ایران انتخاب شدند.

اعضای اتاق در دوره چهارم که از ۱۳۷۷/۱۰/۳۰ تا ۱۳۸۱/۱۲/۷ دوام یافت، بدین شرح است: ۱. عبدالعزیز امیرزاده شمس: رئیس؛ ۲. محمدامین صباغی‌زاده: نایب‌رئیس اول؛ ۳. غلامرضا منصورى دارا: نایب‌رئیس دوم؛ ۴. احمد آزاد دولابی: خزانه‌دار؛ ۵. فرامرز فتاحی: منشی؛ ۶. محمد کنگانی: نماینده اتاق بندرعباس در اتاق ایران؛ ۷. علی الهدادی: عضو؛ ۸. مسعود شاهمرادی: عضو؛ ۹. آقای غلامرضا جاتن: عضو؛ ۱۰. ابراهیم عباسی‌نیا: عضو؛ ۱۱. علی باژیان: عضو؛ ۱۲. مهدی جوادی: عضو؛ ۱۳. مهدی عنبرافشان: عضو؛ ۱۴. محمدعلی آبادی‌زاده: عضو؛ ۱۵. حبیب‌الله ملایری: عضو.

در ابتدای سال ۱۳۸۰ بدین سبب که غلامرضا منصورى دارا مقیم شهر تهران شد، به جای وی حبیب‌الله ملایری به سمت نایب‌رئیس دوم و به جای احمد آزاد دولابی که به دلیل مسافرتهاى مکرر فراغت کمتری داشت، علی باژیان به سمت خزانه‌دار انتخاب شدند.

اعضای اتاق در دوره پنجم که از ۱۳۸۱/۱۲/۷ تا ۱۳۸۵/۱۲/۱۶ دوام یافت، بدین شرح است: ۱. محمدامین صباغی‌زاده: رئیس و نماینده اتاق بندرعباس در اتاق ایران؛ ۲. عبدالمجید موحد رفسنجانی: نایب‌رئیس اول؛ ۳. مهرداد بازرگان: نایب‌رئیس دوم؛ ۴. علی باژیان: خزانه‌دار؛ ۵. هوشنگ نیک‌سرشت آزاد: منشی؛ ۶. بهزاد دادگر: نماینده اتاق بندرعباس در اتاق ایران؛ ۷. عبدالعزیز امیرزاده شمس: عضو؛ ۸. فریدون شمسانی: عضو؛ ۹. سید یوسف قادری: عضو؛ ۱۰. حمید طیبی: عضو؛ ۱۱. کریم خمیسی: عضو؛ ۱۲. کورش نجاتی: عضو؛ ۱۳. احمد آزاد دولابی: عضو؛ ۱۴. محمد نیکخواه: عضو؛ ۱۵. ابراهیم خسروانی: عضو.

اعضای اتاق در دوره ششم که از ۱۳۸۵/۱۲/۱۶ تا ۱۳۸۹/۱۲/۰۴ دوام یافت، بدین شرح است: ۱. محمدامین صباغی‌زاده: رئیس؛ ۲. بهزاد دادگر: نایب‌رئیس اول؛ ۳. مهرداد بازرگان: نایب‌رئیس دوم؛ ۴. علی باژیان: خزانه‌دار؛ ۵. سید محمدعلی حسینی قتالی: منشی؛ ۶. عبدالصمد دادگر: عضو هیئت نمایندگان؛ ۷. سید حمدی هاشمی: عضو هیئت نمایندگان؛ ۸. محسن زینلی: عضو هیئت نمایندگان؛ ۹. محمد آشینه: عضو هیئت نمایندگان؛ ۱۰. کورش نجاتی: عضو هیئت نمایندگان؛ ۱۱. کریم خمیسی: عضو هیئت نمایندگان؛ ۱۲. احمد ملایی پلی: عضو هیئت نمایندگان؛ ۱۳. ابراهیم عمرانی: عضو هیئت نمایندگان؛ ۱۴. حمید طیبی: عضو هیئت نمایندگان؛ ۱۵. احمد آزاد دولابی: عضو هیئت نمایندگان؛ ۱۶. محمد یوسف‌زاده: دبیر اجرایی؛ ۱۷. سید جواد جعفری: مدیر روابط عمومی و امور بین‌الملل.

اعضای اتاق در دوره هفتم که از ۱۳۸۹/۱۲/۴ فعالیت خود را آغاز کردند و تا به امروز بر سر کارند، بدین شرح است: ۱. محمدامین صباغی زاده: رئیس؛ ۲. مهرداد بازرگان: نایب رئیس اول؛ ۳. محمدرضا صفا: نایب رئیس دوم؛ ۴. سیدحمیدی هاشمی: خزانه دار؛ ۵. حسن روحانی: منشی؛ ۶. ابراهیم پورحیدری: عضو هیئت نمایندگان؛ ۷. عباس براهیمی قلعه قاضی: عضو هیئت نمایندگان؛ ۸. عبدالرضا علوی: عضو هیئت نمایندگان؛ ۹. محمد آشینه: عضو هیئت نمایندگان؛ ۱۰. علی باژیان: عضو هیئت نمایندگان؛ ۱۱. کریم خمیسی: عضو هیئت نمایندگان؛ ۱۲. احمد ملایی پلی: عضو هیئت نمایندگان؛ ۱۳. اسحق حقیقی فرد: عضو هیئت نمایندگان؛ ۱۴. حمید طیبی: عضو هیئت نمایندگان؛ ۱۵. احمد آزاد دولابی: عضو هیئت نمایندگان؛ ۱۶. محمد یوسفزاده: دبیر اجرایی؛ ۱۷. سید جواد جعفری: مدیر روابط عمومی و امور بین الملل.

اکنون که حدود ۸۲ سال از تأسیس اتاق بندرعباس می گذرد، بیش از هشتاد نفر در این اتاق به عنوان هیئت رئیسه و اعضای هیئت نمایندگان و تعداد پنج نفر نیز با سمت دبیرکلی خدمت کرده اند. هدف همه آنان فعالیت در بخش خصوصی و اصولاً هدف اصلی اتاق در همه دوره ها، پیشرفت در امور بازرگانی و صنعت و معدن بوده است؛ بیشتر آنان در گذشته اند و در جوار رحمت ایزدی آرمیده اند؛ برخی نیز هنوز در قید حیات اند و به قدر دانش و توانایی خود در این عرصه خدمت می کنند؛ برای آنان که در گذشته اند از خداوند طلب آموزش داریم و برای آنان که در قید حیات اند آرزوی موفقیت و بهروزی را داریم و امیدواریم که منشأ خدمات بیشتر و اثربخش تری گردند.

د) فعالیتهای اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی شعبه بندرعباس

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی بندرعباس به عنوان بزرگترین نهاد بخش خصوصی صنعت، تجارت، معدن و کشاورزی استان هرمزگان، دربرگیرنده صنعتگران، بازرگانان، معدنکاران و کشاورزان است و فعالیتهای خود را در سه زمینه درون سازمانی، استانی و بین المللی و منطقه ای آغاز کرده و ادامه داده است. این اتاق، محلی برای هم اندیشی و هماهنگی فعالان اقتصادی بخش خصوصی بوده است و در واقع مخاطبان اتاق، شامل گستره بسیاری از سازمانهای دولتی، صنعتی و تولیدی و اندیشمندان و صاحب نظران و حتی مردم عادی است. اتاق بازرگانی بندرعباس خدمات گوناگونی از جمله صدور کارت بازرگانی و کارت عضویت، صدور گواهی مبدأ ارائه می دهد؛ همچنین برای رفع و حل مشکلات اعضای خود، با برگزاری جلسات مشترک با مسئولان سازمانهای دولتی و ایجاد شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی و پیگیریهای مستمر، همواره

تلاش می‌کند. از دیگر خدماتهای اتاق بازرگانی بندرعباس می‌توان اطلاع‌رسانی و آموزش قوانین تجاری و حقوقی به اعضا و پیوستگان و مخاطبان خود و ارائه دیدگاههای کارشناسان مسائل تجاری و اقتصادی به آنها و نیز ایجاد تورهای تجاری و هماهنگی با نمایشگاههای خارج از کشور را برای اعضای خود برشمرد.

اتاق بازرگانی بندرعباس با تأسیس مرکز داوری به‌عنوان مرجع هماهنگی، نظارت و حل اختلاف در امور تجاری فعالیت ویژه‌ای دارد و در جریان انعقاد قراردادها، همواره به‌عنوان داور از سوی طرفین قرارداد انتخاب می‌شود. این نهاد خصوصی با توجه به اساسنامه خود، امکان تأسیس تشکلهای را فراهم می‌کند و از عضویت واحدهای جدید تولیدی و تجاری استقبال می‌نماید. اتاق بازرگانی بندرعباس از طریق انتشار ماهنامه *اتاق بازرگانی بندرعباس* با تیراژی نزدیک به ۱۰۰۰ جلد پل ارتباطی ویژه‌ای بین اعضای خود ایجاد می‌کند و ابزاری مهم است برای آگاهی‌بخشی در مورد مسائل اقتصادی و تجاری و تحولاتی که پیوسته در زمینه اقتصاد در استان و یا ایران و جهان پیش می‌آید. درخصوص اطلاع‌رسانی با ابزارهایی چون ماهنامه و یا دیگر رسانه‌ها آنچه از دیدگاه اتاق مهم است، حفظ حرمت عاملان اقتصادی و فعالان بخشهای خصوصی است؛ یعنی در واقع سعی می‌کند تا مسائل و مشکلات و دیدگاههای فعالان این بخشها را به هیئت دولت و مسئولان مملکت برساند و همچنین برای دستیابی به اهداف رشد و توسعه فعالیتهای بخش خصوصی استان از هیچ‌گونه تلاشی دریغ نمی‌ورزد.

باتوجه به مطالبی که درباره فعالیتهای اتاق بازرگانی بندرعباس بیان شد، می‌توان این فعالیتها را در قالب بندهای زیر خلاصه کرد:

۱. صدور و تمدید کارت بازرگانی و عضویت اشخاص حقیقی و حقوقی و تمدید سالیانه آنها.

۲. صدور گواهی‌مبدأ برای کالاهای صادراتی.

۳. هماهنگی با اعضا و راهنمایی آنها در زمینه مسائل صنعتی و بازرگانی.

۴. جمع‌بندی نظریه‌ها و پیشنهادهای گروههای صنفی عضو اتاق و انعکاس آن به مسئولان استان از طریق ایجاد شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی و تشکیل جلسه‌های کارگروههای استانی.

۵. تعامل با مسئولان و نمایندگان مجلس و دیگر دست‌اندرکاران دولت، برای بررسی راهکارهای بهبود وضع بازرگانی، صنعت، معدن و کشاورزی و شرکت در جلسه‌هایی در سایر سازمانهای ذی‌ربط برگزار می‌شود.

۶. تشکیل نشستهای ماهانه هیئت نمایندگان و بررسی موضوعاتی که در دستور جلسه مطرح می‌شود.
۷. بررسی مشکلات گروههای صنعتی خاص در جلسه‌های فوق‌العاده و ارائه راهکار و یا طرح در جلسه شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی.
۸. ارتباط با دیگر اتاقهای بازرگانی کشور و تبادل آرا و دیدگاهها در زمینه‌های اقتصادی و تجاری.
۹. مسافرت به استانهای همجوار و کشورهای مختلفی مانند امارات متحده عربی، عمان، عراق، ترکیه، ایتالیا، آفریقای جنوبی، فرانسه، روسیه و آلمان و دعوت از تاجران و دیگر فعالان اقتصادی و یا صاحب‌منصبان آن کشورها به منظور شناساندن استان و پتانسیل‌ها و ظرفیتهای آن بدانان و تلاش برای ایجاد همکاری و سرمایه‌گذاری دوطرفه.
۱۰. ارتباط و همکاری با دانشگاهها و امضای تفاهم‌نامه با آنها.
۱۱. انتشار ماهنامه *اتاق بازرگانی بندرعباس* و ارسال آن به اعضا و اتاقهای سراسر کشور، سازمانها و ارگانهای استان.
۱۲. تشکیل جلسه‌های اختصاصی با مسئولان استان، متناسب با نوع مشکلات مطرح‌شده توسط عاملان اقتصادی، تشکلهای و کمیسیونهای زیرمجموعه اتاق. در صورت بروز مشکلات حقوقی با سایر مؤسسات، شرکتهای و سازمانهای دولتی، اتاق بازرگانی بندرعباس می‌تواند علاوه بر راهنمایی و مشاوره، موضوع را برای رسیدگی، به مرکز داوری اتاق انعکاس دهد.
۱۳. ایجاد دفتر نمایندگی در مناطق آزاد کیش و قشم با توجه به حضور فعالان اقتصادی در آن مناطق.
۱۴. برگزاری دوره کلاسهای آموزشی با ارائه گواهینامه بین‌المللی در زمینه‌های مختلف تجاری، به‌منظور افزایش و ارتقای سطح آموزش اعضای زیرمجموعه و عاملان اقتصادی استان.
۱۵. ایجاد تفاهم‌نامه بین اتاق بازرگانی بندرعباس و شورای بازرگانی ایرانیان - دبی، به‌منظور معرفی پتانسیل‌های استان و شناسایی بازارهای هدف.
۱۶. به استناد بند «ک» ماده ۵ قانون اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، اتحاده تولیدکنندگان و صادرکنندگان آبریان استان هرمزگان، انجمن ملی خرمای ایران - شعبه بندرعباس، اتحاده دام زنده بندرعباس، اتحاده کارگزاران امور گمرک بندرعباس، کانون زنان بازرگان استان هرمزگان به‌منظور شناسایی مسائل و مشکلات فعالان اقتصادی و بررسی در این تشکلهای و انعکاس به سازمانها و ارگانهای ذی‌ربط تشکیل شده است.

۱۷. به استناد ماده ۷۵ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و نیز ماده ۱۳ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی به منظور تبادل نظر دولت و بخشهای خصوصی و تعاونی، بررسی و رفع موانع کسب و کار و اتخاذ تصمیم مؤثر برای اقدامات لازم در چارچوب قانون و مقررات موجود و ارائه پیشنهاد و راهکارهای اجرایی مناسب به مراجع ذی ربط تشکیل شد.

۱۸. ایجاد مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران - دفتر اتاق بندرعباس. مرکز داوری اتاق ایران طبق قانون اساسنامه مرکز داوری اتاق ایران، مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۱۴ مجلس شورای اسلامی ایران، به صورت وابسته به اتاق بازرگانی ایران تشکیل گردیده است و دفتری از این مرکز در اتاق بازرگانی بندرعباس ایجاد شده که عهده دار حل و فصل اختلافات تجاری اعم از داخلی و بین‌المللی از طریق داوری سازمانی موافق قانون اساسنامه و آیین‌نامه داخلی و بین‌المللی است.

۱۹. به منظور بررسی و تبادل نظر در خصوص اوضاع اقتصادی کشور و استان، بررسی مشکلات سرمایه‌گذاران و تجار استانی و بین‌المللی و پیشنهاد برای حل این مشکلات، همچنین تهیه بانکهای اطلاعاتی و آماری از شاخصهای اقتصادی استان و کشور و شناسایی پتانسیل‌های استان و ارائه آنها به صورت مجله به سرمایه‌گذاران، مرکز آمار و اطلاعات اقتصادی و سرمایه‌گذاری در اتاق بازرگانی بندرعباس به ریاست آقای عباس براهیمی قلعه قاضی، عضو هیئت نمایندگان و رئیس دانشگاه علوم و فنون خوارزمی قشم تشکیل شده است.

۲۰. فعالیتهای فرهنگی و حمایت مادی و معنوی از اصحاب فکر و قلم و سرمایه‌گذاری برای چاپ و انتشار آثار و تألیفات آنان.

اعضای هیئت نمایندگان و هیئت‌رئیس کنونی اتاق بندرعباس دست همکاری به سوی همه اعضای محترم که کارت بازرگانی دارند و نیز دیگر فعالان بخش خصوصی و مدیران و کارکنان محترم بخش دولتی دراز می‌کند و از همه این عزیزان تقاضای همکاری و همفکری و مشارکت همگانی در راه هدفهای والای اتاق که همانا توسعه تجارت و تولید است می‌نماید. به امید روزهای بهتر و پربارتر در شکوفایی اقتصاد ملی و استانی.

محمدامین صباغی‌زاده

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی بندرعباس

بندرعباس

دیماه ۱۳۹۳

به دانش نمودیم هر خدمتی
نه بی‌مزد بود و نه بی‌مستی
جهان را به دانش مسخر کنیم
خدای جهان گر دهد فرصتی
مرا عشق و دانش دو گوهر شدند
نباشد مرا زآن دو بیه‌زیتتی
تهی نیست از عشق هیچ آدمی
پر از عشق بینی تو هر تربتی
(عاری بوشهری)

سر سخن

اگر اشتباه نکنم، به یاد دارم که زمستان سال ۱۳۸۶ بود که به همراه دوست نسخه‌پژوهم آقای علی نویدی به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران سر زدیم و در آنجا در دفتر کار آقای دکتر سید محمد طباطبایی بهبهانی با وی دیدار کردیم؛ ایشان با روی باز و با رفتاری مهرآمیز ما را پذیرا شدند و وقتی دانستند که من بوشهری‌ام، او نیز خودمانی‌تر شد و با گویش شیرین بهبهانی از هر دری سخن گفتند و آن محفل دوستانه را خوش‌تر و گوارا تر نمودند؛ لحظه‌های به یاد ماندنی و خاطره‌انگیزی بود. جناب دکتر طباطبایی بهبهانی در این نشست، سخن از یک کار پژوهشی دربارهٔ رجال و مشاهیر بهبهان به میان آوردند که سخت مشغول آن‌اند و نسخه خطی کتاب *مشوئش‌نامه* سدیدالسلطنه کبابی را برای این کار دیده‌اند و از آن استفاده کرده‌اند؛ من که پیش‌تر تا حدودی با سدیدالسلطنه آشنا بودم و اتفاقاً آن روزها برای تحصیل در مقطع دکتری به تاجیکستان رفت‌وآمد می‌کردم و به فکر پیدا کردن یک موضوع خوب برای رسالهٔ دکتری بودم، همان لحظه به فکر تصحیح این کتاب و تحقیق دربارهٔ آن افتادم و از استاد طباطبایی بهبهانی خواهش کردم که این کتاب را برایم دسترس کند و در اختیارم بگذارد؛ ایشان هم ترتیبی دادند تا این نسخه را از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران دریافت دارم؛ در همین جا از ایشان و آقای نویدی سپاسگزاری می‌کنم که اولین مسببان پیدا کردن و دریافت کتاب *مشوئش‌نامه* برایم بوده‌اند.

اما پس از دریافت نسخه خطی به دلایلی از کار کردن روی آن برای رسالهٔ دکتری منصرف شدم؛ یکی از دلایل هم این بود که میزان وقتی که برای تصحیح و تحقیق بر این نسخه صرف می‌شد بیش از فرصتی بود که برای تحصیل و دفاع از پایان‌نامه در نظر گرفته شده بود؛ بنابراین، کار تصحیح متوقف شد، اما بدان فکر می‌کردم و ضمن به دست آوردن اندک اطلاعاتی در این باره، آهسته‌آهسته کار تصحیح را پیش می‌بردم. تا اینکه در خردادماه

۱۳۹۱ طی نشست‌هایی که با آقای استاد سید قاسم یاحسینی، مورخ و محقق بوشهری، داشتیم و ایشان از وجود این نسخه در دست من باخبر شدند، با جدیت تمام تشویق و تحریک فراوان نمودند که حتماً تصحیح این نسخه را در اولویت قرار بده و آن را به سامان برسان. من نیز حسب فرمایش ایشان، از تاریخ هفتم خردادماه ۱۳۹۱ به‌طور جدی و مستمر - جز در برهه‌هایی کوتاه که به دلیل اشتغالات دیگر، وقفه‌هایی می‌افتاد - تا به امروز که صورت تصحیح شده کتاب پیش رویمان است، بدین کار مشغول بوده‌ام. در واقع ایشان محرک اصلی من در قدم گذاشتن در این راه بوده‌اند و در طول کار هم ضمن معرفی و در اختیار گذاشتن برخی منابع، راهنما و مشاوره توانمند و راهگشا برایم بوده‌اند؛ از این رو، بر خود واجب می‌دانم که از ایشان کمال تشکر و قدردانی را نمایم.

قطعاً تصحیح و تحقیق بر این نسخه بسیار آشفته که مشوَش نامه هم نام دارد، دشواریهای بسیاری در پی دارد که اگر همکاری و مشاوره و راهنمایی بعضی از دوستان ارجمند و محقق و خبره نبود، چه بسا این کار به سامان و انجام نمی‌رسید؛ گرچه در اینجا برایم مقدور نیست که نام همه این عزیزان را نامبر کنم، اما ضمن سپاس از همه بزرگواران، از دوستانی چون دکتر ابراهیم قیصری، دکتر محمد جعفری قنواتی، دکتر حبیب‌الله اسماعیلی، آقای علیرضا مظفری‌زاده و آقای محمد کاظمی تشکر و سپاس ویژه دارم. از آقایان دکتر مسلم زمانی و دکتر سیدمجتبی حسینی که بینهای عربی را تصحیح و بازخوانی کردند نیز کمال قدردانی را دارم.

همچنین از برخی از منسوبان مرحوم سدیدالسلطنه چون آقایان فرشاد ستایش و عبدالنبی احمدی که همکاری نمودند و برخی اطلاعات را از خانواده و بازماندگان سدیدالسلطنه در اختیارم گذاشتند سپاسگزار می‌کنم. از پژوهشگر ارجمند و دوست گرامی آقای حسام‌الدین نقوی نیز که مقاله ارزشمند «معرفی تفصیلی مشوَش نامه سدیدالسلطنه کبابی» نوشته خودشان برای درج در این کتاب و برخی منابع دیگر را از بندرعباس برایم فرستادند و واسطه آشنایی من با خانواده سدیدالسلطنه بودند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

در پایان از مدیر محترم انتشارات آرون جناب آقای شهرام سلطانی و دیگر همکارانش که قبول زحمت نمودند و موجبات چاپ و انتشار این کتاب را فراهم نمودند سپاسگزار می‌کنم. همچنین از مهربان‌دوستم جناب آقای دکتر کیوان پهلوان که زمینه آشنایی و پیوند با ناشر محترم را فراهم کردند و در این مسیر یاریگر و مشاورم بوده‌اند سپاس ویژه دارم.

و لله الحمد اولاً و آخراً

مصطفی باباخانی

بندر بوشهر

شهریورماه ۱۳۹۳

«عاری!» به ره عشق من البدو الی الختم
ثابت قدمی چون تو ندیدیم ندیدیم
(عاری بوشهری)

مقدمه مصحح

سدیدالسلطنه کبابی مؤلف کتاب مشوش نامه:

محمدعلی خان سدیدالسلطنه کبابی از جمله مورخان و شاعران و نویسندگان پرکار ایرانی است که در خطه جنوبی ایران بروز و ظهور پیدا کرد و آثار ماندگاری در زمینه ایران‌شناسی به‌ویژه خلیج فارس شناسی و جغرافیای تاریخی سواحل و جزایر خلیج فارس از خود به یادگار گذاشت. این شخصیت فرهنگی و سیاسی ایران‌دوست نه تنها برای ما ایرانیان مهم و ارجمند است، بلکه از آن منظر که حاصل مطالعات و تأملات و مشاهدات خود را قلمی و مدون کرده و خود را در شمار عالمان به منصفه ظهور رسانده و بر غنای اطلاعات بشری افزوده، برای کل جامعه پژوهندگان و فرهنگیان جهان نیز حائز اهمیت است.

خوشبختانه درباره احوال و آثار و شرح زندگانی سدیدالسلطنه آثار خوبی در اختیار داریم که می‌تواند ما را در شناخت هرچه بیشتر و بهتر این چهره فرهنگی و سیاسی کشورمان یاری رساند. هم خود سدیدالسلطنه در لابه‌لای آثارش، خود و خاندانش را معرفی کرده است و هم استاد احمد اقتداری به‌عنوان مصحح و احیاگر آثار سدیدالسلطنه در معرفی و شناساندن وی از دیگران فضیلت تقدّم دارد. در سالهای اخیر نیز آثاری در شکل رساله علمی و دانشگاهی، کتاب و مقاله درباره سدیدالسلطنه و خاندان او نوشته شده و منتشر یافته است، از جمله بررسی احوال، آثار و سبک تاریخ‌نگاری محمدعلی خان سدیدالسلطنه کبابی مینابی^۱ نوشته مصطفی زارعی؛ سدیدالسلطنه و سواحل خلیج فارس نوشته سید عبدالله حسینی و محمد حسن‌نیا و مقاله‌های «شرح حال و نقد آثار محمدعلی خان سدیدالسلطنه» نوشته احمد ملک، «نگاهی به زندگی سیاسی حاج احمدخان

^۱ این رساله، پایان‌نامه کارشناسی ارشد آقای مصطفی زارعی است که در تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۵ در دانشگاه تهران از آن دفاع کرده است.

کبابی» نوشته احمد بازمندگان خمیری و «مؤلفه‌های آگاهی ملی در سفرنامه سدیدالسلطنه کبابی بندرعباسی» که بخشی از کتاب آگاهی ملی در ادبیات پیشین هرمزگان نوشته حسام‌الدین نقوی است. همچنین در سال ۱۳۸۱ (۹-۱۱ بهمن) همایشی از سوی سازمان میراث فرهنگی استان هرمزگان با همکاری استانداری هرمزگان، سازمان ایرانگردی و جهانگردی هرمزگان و دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس با عنوان «سدیدالسلطنه و خلیج فارس» برگزار شد که در آن از زوایای گوناگونی به سدیدالسلطنه و آثارش نگریسته شده است و در نوع خود از اهمیت والایی برخوردار است. همه این آثار به‌ویژه مقاله کوتاه ایرج افشار در جلد هجدهم مجله راهنمای کتاب با عنوان «آثار سدیدالسلطنه کبابی» (ص ۵۳-۵۷) و مقاله مفصل احمد اقتداری در جلد هجدهم مجله راهنمای کتاب با عنوان «محمدعلی سدیدالسلطنه کبابی» (ص ۵۴۹-۵۵۹ و ۸۵۹-۸۶۸) و بازچاپ همین مقاله در کتاب کشته خویشت که مجموعه‌ای از مقالات وی است و نیز مقدمه‌های وی بر کتابهای تصحیح‌شده سدیدالسلطنه پیش روی ماست و ما را از بیان سخنان تکراری و غیر ضروری بی‌نیاز می‌سازد. اما به‌رحال چون این کتاب پیش رو یعنی مشوش‌نامه یکی دیگر از آثار سدیدالسلطنه است که امروز تصحیح و منتشر می‌شود و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد، بی‌مناسبت نیست که شرح کوتاه و مجملی از زندگی صاحب اثر هم پیش چشم خوانندگانی که با دیگر آثار وی سر و کاری ندارند قرار گیرد. البته سعی نگارنده این سطور این است که علاوه بر شرح حال عمومی سدیدالسلطنه که دیگران بدان اشاره کرده‌اند دو سه نکته نو و بااهمیت نیز بدان گفته‌ها افزون نمایم.

محمدعلی‌خان سدیدالسلطنه کبابی فرزند حاج احمدخان کبابی فرزند حاج محمدعلی کبابی فرزند حاج حسن‌شاه فرزند حاج علی‌شاه است که در بغداد به دنیا آمده است.^۱ درخصوص تاریخ تولد سدیدالسلطنه چون در خود آثار وی اندک اختلافی دیده می‌شود، باید با قدری احتیاط بدان نگریست؛ در سفرنامه سدیدالسلطنه صفحه ۳۹۱ تولد خود را روز سه‌شنبه ۲۳ رجب سال ۱۲۹۱ قمری ثبت کرده است؛ در صفحه ۵۵۲ همین کتاب باز تولد خود را سه‌شنبه پنج ساعت قبل از مغرب ۲۳ رجب ۱۲۹۱ قمری نگاشته است؛ در بندرعباس و خلیج فارس صفحه ۲۸۵ نیز ۲۳ رجب ۱۲۹۱ قمری مطابق ۱۲۵۲ شمسی ثبت شده است؛ همچنین در مشوش‌نامه صفحه ۸۳ نسخه خطی ۲۳ رجب ۱۲۹۱ قمری و در یادداشتی که خود در تذکره مرآت‌الفصاحه (ص ۳۹۲) نوشته سه‌شنبه ۲۳ رجب ۱۲۹۱ قید شده است؛ اما در تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران تاریخ تولد خود را روز ۲۹ رجب سال ۱۲۸۹ ثبت کرده است. می‌بینیم که به‌جز یک مورد اخیر که با دیگر تاریخها اختلاف دارد، پنج بار ۲۳ رجب ۱۲۹۱، سه بار سه‌شنبه و

^۱ از لابه‌لای آثار سدیدالسلطنه به‌ویژه کتاب تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران (ص ۴۷، ۸۳، ۸۶) ظاهراً همین چهار نفر و به همین ترتیب معلوم است.

یک بار هم ۱۲۵۲ شمسی قید شده است و باید همه یک روز واحد باشند؛ اما جالب است که وقتی تاریخ ۲۳ رجب ۱۲۹۱ قمری را به یکی از نرم افزارهای تبدیل تاریخ در سایت پژوهشهای ایرانی به آدرس www.ghiasabadi.com/calendar دادم، روز شنبه ۱۴ شهریور ۱۲۵۳ شمسی محاسبه نمود. به هر حال اگر تاریخ دقیق روز و ماه و سال سدیدالسلطنه برای ما معلوم نباشد، با این اطلاعاتی که در دست داریم حداقل تاریخ تقریبی و نزدیک به واقع آن، برای ما مشخص است.

سدیدالسلطنه و اجدادش، از خاندانهای دیوان سالار ایرانی بوده‌اند که «نزدیک به دو سده در دستگاه اداری ایران و مسقط مشغول به کار بوده‌اند» (بازماندگان خمیری، «نگاهی به زندگی سیاسی حاج احمدخان کبابی»، ص ۲۲۳). خاستگاه این خاندان بندر کنگ است و نسبت به طایفه «بنی کنده» دارند که قرن‌ها در آن ناحیه حکومت داشته‌اند (ر.ک به: سدیدالسلطنه، سرزمینهای شمالی خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش، ص ۱۹۳؛ زارعی، بررسی احوال، آثار و سبک تاریخ‌نگاری محمدعلی‌خان سدیدالسلطنه کبابی مینابی، ص ۲۱). بنا به ادعای سدیدالسلطنه «نسبت طایفه بنی کنده به سلاطین حیره و امرء القیس و نعمان می‌رسد و اجداد آنها از حیره به بندر کنگ مهاجرت کرده‌اند» (زارعی، پیشین، به نقل از سدیدالسلطنه بندرعباسی، برهان السدید فی احوال ابوسعید، نسخه خطی، برگ ۳۶).

نیای بزرگ سدیدالسلطنه حاج علی‌شاه از سرداران ناوگان نظامی نادرشاه افشار بوده است؛ در سال ۱۱۵۲ قمری که سیف بن سلطان آخرین امیر یعاریه، مسلط بر مملکت عمان و مقیم مسقط، علیه نادرشاه افشار سر به عصیان و شورش برداشت، محمدتقی‌خان شیرازی ملقب به امیرالامراء از سرداران سپاه نادرشاه کشتیهای جنگی خود را به سوی بندرعباس گسیل داشت و درحالی که مأموریت مسقط داشت، به حاج علی‌شاه لقب دریابگی داد و کشتیهای جنگی را بدو واگذار نمود. پس از شکست یعاریه در عمان آل بوسعید از امامان مسقط به قدرت رسیدند و محمدتقی‌خان حکومت عمان را به حمد بن سعید واگذار کرد. حاج علی‌شاه «که در دوره نادر توانسته بود در نیروی دریایی او پایگاهی به دست آورد، پس از مرگ نادر، بخشی از ناوگان وی را تصرف نمود و در جنگ قدرتی که پس از قتل نادر در ایران و به‌ویژه مناطق جنوبی درگرفت، به‌عنوان یکی از مدعیان آن نواحی ظهور کرد و در اتحادیه‌های گوناگونی بر ضد رقبای خود شرکت نمود؛ از آنجایی که در این کشمکشها نتوانست موفقیت چندانی کسب کند، ناگزیر از صحنه خارج شد و به امام مسقط پناه برد و در دستگاه اداری او منصبی احتمالاً نظامی به دست آورد و در همان جا نیز درگذشت» (بازماندگان خمیری، پیشین، ص ۲۲۵). پس از درگذشت حاج علی‌شاه در

مسقط، فرزندش حاج حسن شاه که خود اهل سنت بود شیعه شد و در حالی که متصلی امور کشتیهای جنگی امام مسقط بود، در برهه‌ای از زمان، از این شغل استعفا داد و به تجارت مشغول شد و از طریق تجارت رنگون و کلکته ثروت زیاد به دست آورد و در همین زمان، بیشتر اقوام خود را که در بندر کنگ از مضافات بندر لنگه به سر می‌بردند به مسقط مهاجرت داد و سرانجام به وزارت سید حمد بن بوسعید از امامان مسقط نائل آمد؛ همچنین سید حمد حکومت بندرعباس و توابع آن را نیز به او واگذار کرد (ر.ک به سدیدالسلطنه، تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران، ص ۸۲-۸۳، ۸۵-۸۷).^۱ پس از حاج حسن شاه فرزندش حاج محمدعلی تاجر معروف به کبابی هم وزیر سید سعیدخان امام مسقط بوده است و در دستگاه اداری سید سعید و پسرش ثوینی اعتبار فراوانی داشته است (ر.ک به: سعادت کازرونی، تاریخ بوشهر، ص ۹۱؛ بازماندگان خمیری، پیشین، ص ۲۲۶).

فرزند حاج محمدعلی کبابی و پدر سدیدالسلطنه، حاج احمدخان سرتیپ کبابی^۲ است که در سال ۱۲۵۲ قمری در مسقط به دنیا آمد و در سال ۱۳۱۵ قمری در تهران درگذشت و

^۱ در مقاله «نگاهی به زندگی سیاسی احمد خان کبابی»، نوشته بازماندگان خمیری بر خلاف نوشته سدیدالسلطنه در تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران به جای حاج حسن شاه حاج حسین شاه و به جای سید حمد سید احمد آمده است. همین اشتباه در کتاب سدیدالسلطنه و سواحل خلیج فارس نوشته سید عبدالله حسینی و محمد حسن نیا نیز راه یافته است (ص ۱۳). همچنین در صفحه ۱۳ این کتاب راجع به جد اعلای سدیدالسلطنه آمده است: «بنا به نوشته سدیدالسلطنه، محمدعلی خان افشار، سردار نادرشاه و فاتح مسقط و عمان به روزگار نادرشاه بوده است» که قطعاً اشتباه و خلط محبت است و در کتاب تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران که این نویسندگان بدان ارجاع داده‌اند چنین شخصی نیست؛ سردار سپاه نادرشاه هم در آن زمان محمدتقی خان شیرازی بوده است که او هم جد سدیدالسلطنه نیست.

^۲ اقتداری درباره علت شهرت یافتن سدیدالسلطنه و پدرش احمدخان به کبابی می‌نویسد: «ظاهرأ علت آنکه سدیدالسلطنه و پدرش حاج احمدخان هر دو به کبابی شهرت یافته‌اند آن است که حاج احمدخان سرتیپ به مناسبت احتفال و ضیافت‌های دوستانه یا رسمی که در خانه سلاطین مسقط و شیوخ آن و یا در بندرعباس و بوشهر و میناب در خانه خود حاج احمدخان برپا می‌شده با سلیقه و ذوق و مهارت آشپزی ایرانی دستور تهیه کباب به روش آشپزخانه ایرانی می‌داده است و چون این «کباب» بسیار مطبوع طابع اعراب واقع می‌شده و از آن لذت می‌برده‌اند و هرگاه «کباب» عالی میل داشته‌اند، دستورالعمل «کباب‌پزی» را از او می‌آموخته‌اند به «الکبابی» و «کبابی» مشهور شده و فرزندش میرزا محمدعلی خان سدیدالسلطنه نیز این لقب خاص پدر را به ارث برده و سبب شهرت او شده است» (اقتداری، «محمدعلی سدیدالسلطنه کبابی بندرعباسی»، ص ۵۵۱-۵۵۲). شایان توجه است که نه تنها سدیدالسلطنه و پدرش حاج احمدخان به کبابی مشهور بوده‌اند، بلکه پدر حاج احمدخان، حاج محمدعلی هم به کبابی و یا به قول ویلیم فلور «آقا کباب» مشهور بوده است (ر.ک به: سعادت کازرونی، تاریخ بوشهر، ص ۹۱، ۱۱۳؛ حسینی فسایی، فارسنامه ناصری، ج ۱، ص ۸۰۵، ۸۲۳، ۷۸۴؛ بازماندگان خمیری، «نگاهی به زندگی سیاسی حاج احمدخان کبابی»، ص ۲۲۶). البته در فارسنامه ناصری در فهرست اعلام کیانی و در متن کبابی آمده که قطعاً اشتباه تایپی و مطبعی است و همان کبابی درست است. نکته دیگر که ذکر آن ضروری است در فرهنگهای لغت کباب و یا کبابه گیاهی دارویی و معطر از دسته فلفلهای سیاه است و در جزیره جاوه در اقیانوس هند به کثرت پیدا می‌شود؛ شاید حاج محمدعلی کبابی هم که تاجر بوده، به دلیل تجارت این ادویه به کبابی مشهور شده باشد؛ نگارنده این سطور این مطلب را جایی ندیده‌ام، فقط حدس و گمانم چنین است و صحت گفته استاد اقتداری هم بعید به نظر می‌رسد.

در قبرستان ابن بابویه به خاک سپرده شد (ر.ک به: سدیدالسلطنه، مشوئش نامه، نسخه خطی، ص ۲۲؛ اقتداری، «محمدعلی سدیدالسلطنه کبابی»، ص ۵۵۱). حاج احمدخان نیز چون پدران خود ابتدا در دستگاه اداری و دولتی مملکت عمان و در مصدر وزارت امامان مسقط خدمت کرد و از سال ۱۲۸۵ قمری «از خدمت حکومت مسقط استعفا داده و به خدمت دولت ایران درآمده و از سوی والی فارس به حکومت بندر عباسی و مضافات آن برقرار گردید» (زارعی، پیشین، ص ۳۷). حاج احمدخان چهار سال در این سمت بود و سرانجام در سال ۱۲۸۹ قمری از حکومت بندرعباس عزل شد؛ پس از آن به بغداد مهاجرت کرد و پس از حدود دو سه سال سکونت در بغداد با حمایت ناصرالدین شاه قاجار به بوشهر مهاجرت می‌کند و در آنجا نیز به خدمات اداری و دولتی مشغول می‌شود (ر.ک به: همان، ص ۴۰، ۴۲). حاج احمدخان سالیانی در جنوب ایران عهده‌دار منصبهایی چون کارگزاری دولت ایران (نماینده وزارت امور خارجه) در بنادر و جزایر خلیج فارس، نیابت حکمرانی بوشهر یا نایب‌الحکومه بنادر در زمان حکمرانی محمدمهدی ملک‌التجار بوشهری، رابط بین دولت ایران و حکام و شیوخ سواحل جنوبی خلیج فارس و دریای عمان بوده است (ر.ک به: همان، ص ۴۲-۴۳؛ سدیدالسلطنه، صید مروارید: المناسف فی احوال غوص و الغواص، مقدمه اقتداری، ص ۶-۷). وی «در طول سالیان درازی که مشاغل و مناصب حکومتی را در جنوب ایران بر عهده داشته، از سوی دولت ایران به عناوین و القاب بسیاری نائل شده است. در بیشتر منابع از او به‌عنوان معتمدالسلطان حاجی احمدخان سرتیپ نام برده شده است. علاوه بر منصب سرتیپی، عناوینی چون «امیر پنجه» و «وکیل الرعایا» را نیز از جانب دولت ایران داشته؛ اما لقب رسمی وی در دوره مظفرالدین شاه قاجار «سدیدالدوله» بوده است» (زارعی، پیشین، ص ۴۵؛ نیز ر.ک به: سدیدالسلطنه، سفرنامه سدیدالسلطنه، ص ۵۵۷؛ فرصت شیرازی، آثار عجم، ج ۲، ص ۵۹۸-۵۹۹). حاج احمدخان مردی فاضل و دانشمند بوده و در شعر هم دستی داشته و از وی آثاری نیز باقی مانده است، از جمله نبراس که در احوال ادبای عرب است؛ دیوان اشعار با عنوان دیوان سرتیپ؛ تخلص شعری وی احمد بوده است. بنا به گفته سدیدالسلطنه دیوان وی تقریباً شامل سه‌هزار بیت می‌شود؛ انساب‌العرب به عربی؛ المعدنیات به عربی؛ سفرنامه حاجی احمدخان با حسینقلی خان نظام‌السلطنه از بوشهر به بنادر دیگر خلیج فارس در سال ۱۳۵۹ قمری (ر.ک به: فرصت شیرازی، پیشین، ۵۹۹؛ رکن‌زاده آدمیت، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ج ۱، ص ۲۰۵؛ سدیدالسلطنه، مشوئش نامه، نسخه خطی، ص ۲۲؛ افشار، «آثار سدیدالسلطنه کبابی»، ص ۵۳).

مادر سدیدالسلطنه حاجیه خدیجه دختر شیخ احمد^۱ مینابی از بزرگان و ملاکان میناب بوده است؛ شیخ عبدالرّسول بحرینی جدّ بزرگ مادری سدیدالسلطنه نیز مدت‌ها در دورهٔ زندیه کفالت حکومت میناب را عهده‌دار بوده است؛ حاجیه خدیجه در ذیقعدۀ ۱۳۲۳ قمری در میناب درگذشت و در همان جا دفن شد (ر.ک به: سدیدالسلطنه، سفرنامهٔ سدیدالسلطنه، ص ۲۷۳؛ همو، تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران، ص ۹۶، ۱۱۴؛ زارعی، پیشین، ص ۱۲، ۵۶).

سدیدالسلطنه یکی دو سال بیشتر نداشت که پدرش به همراه خانواده به بوشهر مهاجرت کرد. سدیدالسلطنه در بوشهر نشو و نما یافت و بیشترین دورهٔ تحصیلات ابتدایی و تکمیلی را در بوشهر سپری کرد. در روز عید غدیر سال ۱۲۹۸ قمری در سن هفت و یانه سالگی (اختلاف در تاریخ تولد از خود سدیدالسلطنه است) او را به مکتب سپردند و پس از پنج ماه قرآن را آموخت و سپس در اندک‌زمانی خط و سواد فارسی را یاد گرفت؛ حدود شش ماه هم در مدرسه‌ای که پروتستان‌ها در بوشهر گشوده بودند به تحصیل زبان انگلیسی پرداخت. چنان‌که از نوشته‌ها و یادداشتهای سدیدالسلطنه پیداست، وی بر زبانهای انگلیسی و عربی تسلط کامل داشته است. سدیدالسلطنه در طول دوران تحصیل خود از چندین استاد مبرز و دانشمند بهره برده و دانش آموخته است، از جمله میرزا حسین معتقد اهرمی که در فنون ادب وی را استاد بوده است؛ صرف و نحو و علوم عربیه و مقدمات فقه و اصول را از حاج شیخ محمد امام جمعه از خاندان آل عصفور و حاج سید جواد مجتهد طباطبایی یزدی معروف به «واعظ» آموخته است؛ در سال ۱۳۰۳ قمری که سید جمال‌الدین اسدآبادی در بوشهر بوده است، مقدمات علم جغرافیا و اصول علم فیزیک را از وی می‌آموزد؛ ملاحسن کبگانی نیز در شعر و شاعری او را استاد بوده است؛ از دیگر استادان سدیدالسلطنه سید احمد ادیب پیشاوری است؛ وی در مدتی که در تهران بوده، حضور ایشان را درک کرده است؛ همچنین شیخ صالح بن صالح عطیه از افاضل بندر لنگه معلم حساب سدیدالسلطنه بوده است و از وی حساب «چو» را که در مورد خرید و فروش مروارید و تعیین میزان آن است یاد می‌گیرد (ر.ک به: سدیدالسلطنه، تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران، ص ۲۴۴؛ همو، سفرنامهٔ سدیدالسلطنه، ص ۳، ۵۲۹، ۵۲۸، ۵۵۸؛ همو، بندرعبّاس و خلیج فارس، ص ۶۰۲؛ همو، یادداشتهای سدیدالسلطنه، ص ۴۳؛ اقتداری، کشتهٔ خویش، ص ۹۰).

^۱ اقتداری شیخ محمد ثبت کرده است (ر.ک به: «محمدعلی سدیدالسلطنه کبابی بندرعبّاسی»، ص ۵۵۱)؛ اما در کتاب تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران، ص ۱۱۴ شیخ احمد ثبت شده است.

سدیدالسلطنه چنان که خود می گوید و نیز در برخی آثارش از جمله *مشوئش نامه* و یا دیگر تذکرةهای معاصرانش قطعه شعرهایی از وی آمده است، در شعر و شاعری هم دست داشته و تخلصهای «نهانی»، «عاری» و «سدید» را به کار می برده است؛ البته نهانی را در ابتدای شاعری تا حدود سال ۱۳۰۵ قمری به کار می برده، سپس به عاری تغییر تخلص می دهد، چنان که مشهورترین و پرکاربردترین تخلص وی همین عاری است؛ از تخلص سدید هم بسیار کم استفاده می کرده است (ر.ک به: *سدیدالسلطنه، سفرنامه سدیدالسلطنه،* ص ۴۱۰-۴۱۱؛ *مشوئش نامه، نسخه خطی،* برگ ۲۲۹، بدون شماره صفحه).

سدیدالسلطنه چون مردی باسواد و هشیار و کاردان بوده و نیز در دستگاههای دولتی و اداری نام و نشان و نفوذ خانوادگی داشته، خود نیز همچون پدر و نیاکانش از همان ابتدای جوانی وارد دستگاه دولتی می شود و عهده دار منصبها و سمتهای عالی رتبه ای می گردد و از سوی دولتهای ایران و روسیه و فرانسه مفتخر به دریافت لقب و نشانها و هدایای افتخارآمیزی می شود. برخی از سمتهای وی بدین قرار است: فرماندهی در جنگ و فتح بندر لنگه و طرد محمد بن خلیفه، ریاست تذکره (گذرنامه) خلیج فارس، کفالت و کارگزاری بنادر، کارگزاری دولت روسیه در بندر لنگه، وکالت کنسولگری روسیه در بندرعباس و معاونت حکومت بنادر جنوب و حکومت بندر لنگه (سدیدالسلطنه، *بندرعباس و خلیج فارس،* ص ۲۸۵؛ *نقوی، آگاهی ملی در ادبیات پیشین هرمزگان،* ص ۲۴۰-۲۴۱؛ *زارعی، پیشین،* ص ۴۹-۶۰؛ *حسینی و حسن نیا، سدیدالسلطنه و سواحل خلیج فارس،* ص ۲۴-۳۵).

چنان که پیش از این هم اشارت رفت، سدیدالسلطنه آثار گوناگونی در زمینه تاریخ و فرهنگ و ادبیات ایران، به ویژه در مورد بخش جنوبی و سواحل خلیج فارس و دریای عمان و حتی درباره شیوخ و حکام و عربهای سواحل خلیج فارس از دیده ها و شنیده ها و اسنادی که در اختیار داشت و نیز مطالعات و تحقیقات و تدقیقاتی که صورت داده بود، نگاشته و از خود به یادگار گذاشته است. جالب توجه است که سدیدالسلطنه چندین منشی و کاتب داشته که در بیشتر مواقع مطالب خود را بدانها املا می کرده است و آنها می نوشتند و ثبت می کردند؛ به ویژه اینکه خود هم «در خط و استکتاب حظّ و نصیب ماینبغی و مایشاء» نبرده بوده است (ر.ک به: *سدیدالسلطنه، تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران،* ص ۲۴۴)؛ این منشیان عبارت اند از محمود لاری، یوسف رفسنجانی، غلامرضا پسر زین العابدین لاری و احمدآقا محصل علمیه مدرسه تهران (ر.ک به: *همو، سفرنامه سدیدالسلطنه، مقدمه اقتداری،* ص هفده؛ *اقتداری «محمدعلی خان سدیدالسلطنه کبابی بندرعباسی»،* ص ۵۵۲).

بخشی از آثار سدیدالسلطنه در زمان حیات خودش منتشر شد و بخشی نیز به همت استاد احمد اقتداری تصحیح و ویرایش و تحشیه و احیا شد و بخشی نیز هنوز به صورت خطی باقی مانده است. در سال ۱۳۵۴ آقای مهندس هوشنگ ستایش نوۀ دختری سدیدالسلطنه، از طرف خاندان سدیدالسلطنه مجموعه‌ای از میراث پدربزرگش را به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران اهدا نمود که «جمعاً عبارت است از نودوپنج کتاب و رسالۀ خطی و سه کتاب چاپی از آثار سدید و نودودو قطعه نقشه‌های خارجی و ایرانی مربوط به ایران و قطعات فرمان و حکم و ابلاغ حقوق و نشان دولتهای خارجی» (سدیدالسلطنه، بندرعباس و خلیج فارس، یادداشت ایرج افشار، ص ۸). ایرج افشار فهرست دقیقی از آثار سدیدالسلطنه در جلد هجدهم مجلۀ راهنمای کتاب ص ۵۳-۵۷ منتشر کرده و احمد اقتداری هم در همین جلد مجلۀ، ضمن شرح حال سدیدالسلطنه برخی از آنها را به تفصیل معرفی کرده است (ر.ک به: ص ۵۴۹-۵۵۹ و ۸۵۹-۸۶۸)؛ اما نام و نشان و عنوان برخی از آثار سدیدالسلطنه بدین شرح است: بندرعباس و خلیج فارس (اعلام الناس فی احوال بندرعباس)؛ مشوش نامه که حاوی شرح حال و شعر بسیاری از شاعران معاصر نویسنده است؛ مجموعه التوادیر که حاوی ترجمه و تألیف برخی مطالب تاریخی و گردآوری شعر شاعران دیگر است و چاپ سنگی آن در هند انتشار یافته است؛ مجموعه الطرایف که حاوی شعر شاعران جنوب است و در هند منتشر شده است؛ مغاص الثالی و منار الالیالی که با عنوان سرزمینهای شمالی خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش، به کوشش احمد اقتداری منتشر شده است؛ مفاتیح الادب فی تاریخ العرب که تاریخ پیدایش کشورهای عربی است و قسمتی از آن منتشر شده است؛ المناس فی احوال غوص و الغواص (صید مروارید)؛ سفرنامه سدیدالسلطنه (التدقیق فی سیر الطریق). علاوه بر این، چندین مقاله و رسالۀ کوتاه از وی مانده است که عبارت‌اند از: آقاخان‌ها؛ احوال لنگه؛ اخبار عمان؛ اصطلاحات کشتی؛ اوزان چو؛ ایران و لشکر؛ بوشهر در سال ۱۳۲۲ قمری؛ تجارتخانه‌های بوشهر؛ تعلیق بر خوارج؛ حکومت جواسم در بندر لنگه؛ راپرت بنادر جنوب تا چابهار؛ سوادنامه‌های سدید به مقامات تهران (در دو دفتر)؛ لغات محلی بندرعباس (دو جزء مختصر)؛ مملکت مسقط و عمان. همچنین نوشته‌های پراکنده و خاطرات و وقایع سالهای مختلف از زندگی وی نیز باقی مانده است (ر.ک به: افشار، «آثار سدیدالسلطنه کبابی»، ص ۵۳-۵۷؛ نقوی، آگاهی ملی در ادبیات پیشین هرمزگان، ص ۲۴۱).

چنان‌که از آثار سدیدالسلطنه پیداست رویکرد وی به مسائل تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی علمی و جزءنگرانه است و با نگارش جزئیات هر مسئله‌ای

درباره اشخاص و شهرها و آبادیها و اماکن و وقایع تاریخی و توضیح محققانه از آنها سبک و شیوه‌ای مخصوص به خود در تاریخ‌نویسی و وقایع‌نگاری پایه‌ریزی می‌کند که از موهوم‌پرستی و خرافه‌گرایی و مطلق‌انگاری فاصله گرفته به عقل‌باوری و خردورزی نزدیک می‌شود؛ از همین رو است که آثار سدیدالسلطنه متمایز از پیشینیان است و از ارزش و اعتبار بالایی برخوردار است (ر.ک به: نقوی، پیشین، ص ۲۴۲). نقوی درباره محتوای آثار سدیدالسلطنه می‌نویسد: «آثاری که او از خود به جای نهاده است، بهترین و دقیق‌ترین منبع برای مطالعه جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، فرهنگ و تاریخ هرمزگان و خلیج فارس است. از خلال این آثار، دیدگاه سدید به‌ویژه در مورد دخالت انگلیسی‌ها و حق حاکمیت ایران بر جزایر خلیج فارس، نشانه‌هایی از تمایل او به آزادی‌خواهی و استعمارستیزی، تجلّد و ملی‌گرایی را نمایان می‌سازد» (همان، ص ۲۴۳).

چنان‌که می‌دانیم سدیدالسلطنه بخش زیادی از آثار خود را هم‌زمان با دوره مظفرالدین‌شاه قاجار و اوج جنبش مشروطیت و تحولات پس از آن نوشته است؛ همچنین دوستی و معاشرت با شخصیت‌هایی چون میرزا جهانگیرخان صور اسرافیل، تقی‌زاده، ایرج‌میرزا، سعید نفیسی و... نشان می‌دهد که وی شخصیتی آزادی‌خواه و متجذّب و ملی‌گرا بوده و میهن‌دوستی و اعتلای ایران و ایرانی در صدر خواسته‌های وی قرار داشته است (ر.ک به: حسن‌نژاد «گذری و نظری بر کتاب سرزمینهای شمالی خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش، ص ۵۸۵-۵۸۶»؛ شعرهای فراوانی با مضمون وطن‌خواهی و ایران‌دوستی که در مشوّش‌نامه هم ثبت شده است، دالّ بر اندیشه و منش وی در مواجهه با این موضوع است.

سدیدالسلطنه چون اهل شعر و شاعری بوده و در این فن شهرتی هم داشته است، شرح حال و نمونه شعر وی در برخی کتابها و تذکرة‌های آن دوره، مانند آثار عجم فرصت شیرازی، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس رکن‌زاده آدمیت، مرآت‌الفصاحه شیخ مفید (داور)، تذکرة شعاعیه شعاع شیرازی ثبت شده و از وی با عنوانهای عاری بندرعباسی، عاری فارسی، عاری بوشهری و عاری بغدادی یاد شده است. در سراسر مشوّش‌نامه هم از وی با عنوان عاری بوشهری یاد شده است. جالب توجه است که شعاع شیرازی در تذکرة شعاعیه از وی بسیار بدگویی کرده و مقام شاعری او را به هیچ گرفته است و حتّی یک قطعه شعری با مطلع «شنیده‌ام متشاعروشی است دزدسخن / ز شعر عاری و باشد تخلصش عاری» در هجوش سروده است (ر.ک به: تذکرة شعاعیه، ص ۳۰۱-۳۰۲).

محمدعلی خان سدیدالسلطنه کبابی سرانجام در روز سه‌شنبه ۱۴ مرداد ۱۳۲۰ شمسی برابر با ۱۲ رجب ۱۳۶۰ قمری^۱ در بندرعباس وفات یافت و در قبرستان سید کامل در جوار بقعه امامزاده سید کامل واقع در یکی از محلات قدیمی این شهر به نام محله سید کامل دفن شد.

سدیدالسلطنه دو همسر داشته به نامهای مکیه، که کنیز بوده است و بلقیس دختر شیخ احمد از خاندان کلانتران میناب. یکی از دختران سدیدالسلطنه ساره خانم نام دارد که از مکیه در بوشهر متولد شده و پیش از سال ۱۳۳۴ قمری در میناب درگذشته است. از همسر دوم، بلقیس نیز چند فرزند داشته است، از جمله دو پسر به نامهای احمدعلی خان که در لنگه متولد شده و در بمبئی ناکام از دنیا رفته است و عبدالرَسُول خان سدیدزاده که تقریباً تا سال ۱۳۵۰ شمسی هم در قید حیات بوده است؛ ایشان کارمند ژاندارمری بوده و پس از بازنشستگی نیز در معدن کرومیت فاریاب^۲ کار می‌کرده است؛ محل زندگی وی میناب بوده، در همان جا هم درگذشته است؛ همسر وی عالیه بیگم نام داشته و یک پسر به نام عبدالجبار و دو دختر به نامهای توران و مهرانگیز از وی مانده است. سدیدالسلطنه از بلقیس دو دختر هم به نامهای خدیجه و فاطمه شمسی جان (شمس‌الملوک) داشته است؛ خدیجه در سال ۱۳۲۵ قمری متولد شده و در سال ۱۳۰۶ شمسی در میناب از دنیا رفته است؛ همسر خدیجه سید عبدالحسین موسوی زاده است که فقط یکسال با هم زندگی کرده‌اند؛ خدیجه یکسال پس از ازدواج از دنیا می‌رود؛ دختری هم به نام غالیه از وی متولد می‌شود، اما او هم در اواخر سال ۱۳۴۷ قمری در دوسالگی فوت می‌کند. دختر دیگر، فاطمه شمسی جان (شمس‌الملوک) است که در ۶ رجب ۱۳۱۶ قمری در میناب متولد شده است؛ این دختر همسر شیخ علی ستایش و مادر هوشنگ و زهرابیگم بوده است. سدیدالسلطنه برادری داشته به نام عبدالرَسُول خان که در سال ۱۳۰۷ قمری در بوشهر درگذشته است؛ فرزند این شخص و برادرزاده سدیدالسلطنه هم عبدالرَسُول خان نام داشته است که از سوی مظفرالدین شاه به «مجاهد دیوان» ملقب می‌شود؛ عبدالرَسُول خان در سال ۱۳۰۲ قمری در بوشهر به دنیا آمد و در سال ۱۳۲۰ قمری به مرض وبا در میناب درگذشت (ر.ک به: سدیدالسلطنه، سفرنامه سدیدالسلطنه، ص ۲۷۳، ۳۸۹، ۳۹۱، ۴۴۷، ۵۵۷؛ همو، صید

^۱ روز سه‌شنبه و تاریخ ماه و سال قمری را از طریق نرم‌افزار تبدیل تاریخ در سایت پژوهشهای ایرانی به دست داده‌ام.
^۲ منطقه فاریاب در حد فاصل بین استانهای کرمان و هرمزگان قرار دارد و معادن آن، در کیلومتر ۱۲۵ جاده آسفالت بندرعباس - جیرفت واقع شده است.

مروارید: المناصیر فی احوال غوص و الغواصین، مقدمه اقتداری، ص ۱۱؛ زارعی، پیشین، ص ۶۶؛ مصاحبه با آقای عبدالنبی احمدی فرزند زهرا بیگم نوه دختری سدیدالسلطنه).

مشویش نامه تألیف سدیدالسلطنه کبابی:

آنچه نگارنده این سطور درباره مشویش نامه دیده‌ام و دسترس کرده‌ام، به‌جز همان مطالبی که اقتداری در ردیف معرفی آثار سدیدالسلطنه در مقاله «محمدعلی سدیدالسلطنه کبابی بندرعباسی» درخصوص این اثر نوشته است، مقاله‌ای علمی، محققانه و کامل و مفصل هست به قلم پژوهشگر ارجمند و دوست گرامی ام آقای حسام‌الدین نقوی با عنوان «معرفی تفصیلی مشویش نامه سدیدالسلطنه کبابی»، که در سال ۱۳۹۱ در نشریه پژوهشنامه فرهنگی هرمزگان منتشر شده است و ایشان هم اصل مقاله را که بازنگری مجدد کرده‌اند برای نگارنده فرستاده‌اند و اجازت فرموده‌اند که در این رساله گنج‌نیده شود؛ از این رو خوانندگان و علاقه‌مندان را به خواندن این مقاله که در پی خواهد آمد توصیه می‌نمایم. در واقع ایشان تمام مسائل مهمی را که از جنبه‌های گوناگون درباره مشویش نامه وجود دارد بررسی کرده‌اند و کار مصحح را در معرفی این اثر آسان نموده‌اند.

لفظ مشویش نامه ترکیب وصفی مقلوب است و صورت غیر مقلوب آن، نامه مشویش است که مقصود از نامه در اینجا همان کتاب و نوشته است؛ و اما مشویش در لغت به معنی آشفته و پریشان و مضطرب و شوریده و سرگردان و بی‌آرام و بی‌آسایش و مختلط و درهم‌وبرهم و... است (ر.ک به: دهخدا، لغتنامه)؛ بنابراین، مشویش نامه را می‌توان کتاب درهم‌وبرهم و مختلط و آشفته معنا کرد. مشویش نامه عنوانی است که سدیدالسلطنه خود بر روی این کتابی که اکنون در دست ماست گذاشته و بر پیشانی این اثر و در جایهایی از متن و نیز در برخی دیگر از آثار مؤلف (برای مثال، سفرنامه سدیدالسلطنه، ص ۴۱۱، ۴۷۰) همین عنوان دیده می‌شود. در واقع این نام نسبت به این کتاب بسیار باسماست و متقارن و متناسب با محتوای اثر است؛ زیرا از هر نظر که بنگریم، کتاب مشویش نامه آیتی است از آشفته‌گی و پریشانی و درهم‌وبرهمی؛ در تدوین آن هیچ نظم و ترتیبی رعایت نشده است؛ نام شاعران و عناوین درون متن، نه القابیی است و نه بر اساس تاریخ مرتب شده و نه حتی نام و شرح حال یک شاعر فقط در یک جای متن آمده و تمام شده و در دیگر جاها نیامده است؛ بلکه ممکن است نام یک شاعر و شرح حال و شعرش با عبارات متفاوت و گاهی یکسان در چند جا تکرار شده باشد؛ گرچه محتوای کتاب عمدتاً درباره شاعران معاصر با نویسنده است،

نام چند شاعر متقدم چون قاضی ابوبکر ارجانی و یا جلال‌الدین دوانی نیز در آن دیده می‌شود؛ در میان شعرهای فارسی، چند قطعه شعر عربی هم وجود دارد؛ حتی نمونه‌خطها هم متفاوت است و خط یک نویسنده و کاتب و محرر نیست؛ همچنین مؤلف در برخی موارد در بعضی عبارتها و تاریخها و شعرها هم چیزی را کاسته و یا افزوده است؛ همه این مسائل درون متن دیده می‌شود و هر جا لازم بوده، مصحح اتفاقات درون متن را در پاورقیها گزارش کرده است.

از بحث نام و عنوان کتاب که بگذریم، این اثر حاوی مجموعه‌ای از نام و نشان برخی از شاعران و نمونه شعرشان و یا نمونه شعرهای بی نام و نشان (لاادری) است؛ به همین سبب این کتاب در شمار سفینه و جنگ قرار می‌گیرد؛ سفینه واژه‌ای عربی است به معنی کشتی؛ «اینکه سفینه به این گونه دفترها گفته شده محتمل است کنایه‌ای باشد از کشتی نوح که ناچار هرگونه جنس و متاعی در آن می‌بوده است» (افشار، سفینه و بیاض و جنگ، ص هفت). جنگ هم واژه‌ای چینی است به معنی کشتی که از قرن نهم «همسان با کلمه عربی سفینه برای مجموعه اشعار و نوشته‌های دیگر» به کار می‌رفته است (همان، ص هشت). اما از این حیث که در این کتاب شرح حالی ولو کوتاه از هر شاعر آورده شده است، قطعاً تذکره به شمار می‌رود. تذکره بر وزن تکمله از ریشه ذکر در لغت به معنی به یاد آوردن، یادداشت، پند دادن و یادگار آمده است (رک به: فتوحی رودمعجنی، نظریه تاریخ ادبیات، ص ۱۹۱؛ نصرآبادی، تذکره نصرآبادی: تذکره الشعرا، ج ۱، مقدمه مصحح، ص بیست و دو)؛ اما در اصطلاح «به کتابی گفته می‌شود که حاوی یاد و نام و احوال و آثار و مشاهیر و نامداران رشته‌های مختلف علوم باشد» (فتوحی، همان). امروزه تذکره به کتابهایی گفته می‌شود که در آن، شرح احوال و زندگی شاعران به همراه نمونه شعرشان آمده باشد؛ این تعریف را هم در لغتنامه دهخدا به نقل از ناظم‌الاطباء می‌بینیم و هم در دو اثری که پیش از این بدانها ارجاع دادیم؛ اما هیچ‌کدام اشاره نکرده‌اند که در تذکره حتماً باید نمونه شعر شاعر هم باشد؛ با توجه به تذکره الشعراهای موجود عملاً هیچ تذکره‌ای بدون نمونه شعر شاعر وجود ندارد. به هر حال اطلاق نام تذکره بر این گونه کتابها «چندان قدمت و روایی تاریخی ندارد و به نظر می‌رسد بر ساخته متأخرین علمای علم لغت است. این چنین برداشتی از کلمه تذکره در سده‌های اخیر سبب شده که مصححان و دیگر فرهیختگان ادبی به هنگام تصحیح و چاپ کتابهای تراجم احوال شاعران، کلمه تذکره را بر عنوان کتاب بیفزایند» (نصرآبادی، پیشین، ص بیست و دو - بیست و سه). با این تفصیل، مشوَش نامه را با توجه به ساختاری که دارد، می‌توان تذکره مشوَش نامه نامید.

به‌طور کلی تذکرها را به دو دسته عمومی و اختصاصی تقسیم کرده‌اند؛ تذکره‌های عمومی شامل همه شاعران تاریخ ادبی ایران تا زمان نویسنده است؛ تذکره‌های اختصاصی هم به گروه خاصی از شاعران می‌پردازند و انواع مختلفی دارند، مانند تذکره‌های عصری، تذکره‌های محلی، تذکره‌های معاصران، تذکره‌های زنان، تذکره‌های فارسی‌گویان خارج از مرزهای ایران امروزی،^۱ تذکره‌های قومی، تذکره‌های متعلق به یک فرقه مذهبی، تذکره شاعران مشاغل، تذکره شاعرانی که در یک نوع ادبی یا در موضوعی خاص شعر گفته‌اند یا شاعرانی که ممدوحی خاص را ستوده‌اند (ر.ک به: فتوحی رودمعجنی، پیشین، ص ۱۹۳-۱۹۴؛ نیز گلچین معانی، تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۱، ص چهار - پنج). مشوش‌نامه هم تذکره شاعران معاصر مؤلف خود است؛ همچنین از این منظر که شاعران محلی از جمله بوشهر و شیراز و بندرعباس و لار و میناب و تهران و قزوین و... را شامل می‌شود تذکره‌ای است محلی؛ بنابراین، از نوع تذکره‌های اختصاصی به شمار می‌رود؛ البته از این حیث هم می‌بینیم که مختلط و درهم‌وبرهم است و مشوش و متناسب با عنوان خود.

«تذکره‌های فارسی از حیث اصالت و سندیت نیز دو دسته‌اند: یکی تذکره‌های تحقیقی که در ثبت و ضبط مطالب به مستندسازی و تتبع و تحقیق توجه داشته‌اند و شرح حال معاصران را حتی‌المقدور می‌گرفته‌اند...؛ دوم تذکره‌های تقلیدی که به رونویسی مواد دیگر تذکره‌ها پرداخته و یا شیفته لفاظی و افسانه‌سازی بوده‌اند...» (فتوحی رودمعجنی، پیشین، ص ۱۹۵). مشوش‌نامه از حیث سندیت و اصالت، تذکره‌ای مستند و محققانه به شمار می‌رود؛ با یک نظر کلی و توزیع سطحی این اثر درمی‌یابیم که مؤلف با بسیاری از این شاعران دوست و همنشین بوده و با آنها ملاقات داشته و از نزدیک آنها را می‌شناخته است؛ در برخی موارد هم روش سدیدالسلطنه این بوده که از شاعر می‌خواسته تا شرح حال و نمونه شعرش را بنویسد و اتفاقاً برای درج در مشوش‌نامه به او دهد؛ از این رو، می‌بینیم که خط و امضای برخی شاعران در این نسخه حفظ شده و موجود است. نوشته‌های سدیدالسلطنه نه تنها در این تذکره، بلکه در دیگر آثار وی نیز چنان‌که پیش از این هم اشاره شد، مستند و دقیق و محققانه است.

^۱ فتوحی رودمعجنی در ردیف دیگر تذکره‌های اختصاصی از «تذکره‌های فارسی‌گویان غیر فارسی (شاعران خارج از مرزهای امروزی) نام می‌برد (نظریه تاریخ ادبیات، ص ۱۹۴) که اگر مقصودشان تذکره‌های موجود در ماوراءالنهر (تاجیکستان و ازبکستان) و یا افغانستان است، اینها همه فارسی‌گو و فارسی‌زبان‌اند و غیر فارسی به شمار نمی‌روند.

تذکره مشوئش نامه را چون دیگر تذکرها نمی توان تاریخ ادبیات دوران معاصر مؤلف آن به حساب آورد، اما بخش عمده مواد تاریخ ادبی آن دوره را باید درون آن جست؛ به علاوه، برای تشخیص ذوق ادبی آن دوره، برای منتقد ادبی و پژوهشگر ادبیات بسیار بااهمیت است. همچنین «تذکرهاى عصرى و محلى، حاوى اطلاعات تاريخى و اجتماعى ارزنده‌اى درباره اجتماعات، آداب و رسوم، ادبیات و فرهنگ، اوضاع و احوال تاریخ سیاسى اجتماعى فرهنگى عصر خود هستند» (همان، ص ۱۹۷). مشوئش نامه هم بیش از اینکه ارزش ادبی داشته باشد، ارزش تاریخی و جامعه‌شناختی دارد؛ معمولاً قالب و سبک شعرها و حتی بیشتر مضمونها تقلیدی است از همان قالب و سبک شعر کهن و در بسیاری موارد از منظر ادبیات و زیبایی‌شناسی هیچ نوآوری و نکته برجسته و درخوری ندارد، اما مسائل و موضوعاتی که در آن دوره بوده بازتابش را در این اثر می‌بینیم؛ شعرهای وطنی و میهن‌دوستانه برخی شاعران که همان مطالبات دوره مشروطه است در مشوئش نامه موجود است؛ مسائل و مشکلات و وقایع و جریانهایی که در شهرها و محل اقامت شاعران وجود دارد و نیز بسیاری از مسائل زندگی و شغلی و حتی خانوادگی که سدیدالسلطنه با آن روبه‌رو بوده به صراحت در این تذکره بازتاب یافته است.

نسخه خطی مشوئش نامه که برای تصحیح از آن استفاده شده و ظاهراً منحصر به فرد است و نسخه و رونوشت دیگری از آن در دست نیست، همان است که هوشنگ ستایش در سال ۱۳۵۴ به همراه دیگر آثار سدیدالسلطنه به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران اهدا کرده است و به شماره ۹۴۴۳ در آنجا نگهداری می‌شود؛ اما گمان می‌رود که باید نسخه و یا نسخه‌ها و یا حداقل برگزیده‌ای از آن هم موجود بوده باشد که امروز مفقود است و در دسترس نیست؛ برخی شواهد و قرائن هست که این نظر را تقویت می‌کند؛ از جمله سدیدالسلطنه در یادداشتهای خود می‌گوید که میرزا عبدالکریم عطّارپور «مشوئش نامه از تألیفات بنده را برای خود بردند» (یادداشتهای سدید، ص ۸۱)؛ در جایی از سفرنامه خود اشاره دارد که با آقای احمدآقا سهیلی خوانساری تاجر کتابفروش قرار گذاشته شد که «کتاب مشوئش نامه تألیف نگارنده» به انضمام چیزهای دیگر را که نزد اوست برایم بفرستد (ص ۴۱۱)؛ در جای دیگر از این کتاب نیز بیان می‌دارد که «شب آقای عطّارپور آمده، کتاب مشوئش نامه را مرجوع داشت» (ص ۴۷۰). همچنین در میان برگه‌های نسخه خطی مشوئش نامه (آخرین برگه بدون شماره صفحه) که باید آن را از ملحقات مشوئش نامه به حساب آورد، یادداشتی از سلطان شمس‌الدین حقّی تبریزی وجود دارد مبنی بر اینکه برای تکمیل نواقص تذکره

خود موسوم به مجمع‌الادباء از تذکرهٔ سدیدالسلطنه استفاده کرده است؛ از این رو نسبت به سدیدالسلطنه «تشکرات صمیمانه و فدویت خود را» تقدیم داشته است؛ گرچه نام دقیق این تذکره را نیاورده، اما قطعاً مقصودش همان *مشوئش‌نامه* است؛ حقی تبریزی این یادداشت را در تاریخ ۱۰ مهرماه ۱۳۰۸ نوشته است. قرینهٔ دیگر، سخن اقتداری در مقالهٔ «محمدعلی سدیدالسلطنه بندرعباسی» است که ضمن برشمردن آثار سدیدالسلطنه از رسالهٔ «شوئش‌نامه» و یا در تحریری دیگر «سوزنامه» نام می‌برد و آن را در میان اوراق به جا مانده از سدیدالسلطنه دیده است و دربارهٔ آن می‌گوید: «این همان کتاب *مشوئش‌نامه* است بی‌کم‌وکاست که شرح آن گذشت و شرح تفصیلی آن را نوشتم و جنگ یا مجموعه‌شعری است از شعرای متأخر و غالباً معاصر خود مرحوم سدید...» (ص ۸۶۸). اما گواه دیگر که از همه مهم‌تر است عکسی از دستخط میرزا یوسف رفسنجانی است که باستانی پاریزی در صفحهٔ ۵۸۷ کتاب *پیغمبرِ دزدان* آورده است و حاوی شعری از نبی‌الساقرین و بلافاصله بعد از آن، شرح حال یوسف رفسنجانی است؛ این عکس ظاهراً از یکی از صفحات کتاب *مشوئش‌نامه* گرفته شده است و باستانی پاریزی هم در یک جای صفحه زیر شعر نبی‌الساقرین تصریح دارد که «از نسخهٔ سدیدالسلطنه» است و در پایین صفحه زیر شرح حال یوسف رفسنجانی نوشته است: «نمونهٔ خط میرزا یوسف رفسنجانی (از جنگ سدیدالسلطنه)»؛ در صورتی که در نسخهٔ خطی در دست ما (برگ شمارهٔ ۴۱، ص ۵۰) پیش از ترجمهٔ حال یوسف رفسنجانی شعری عربی از قاضی ابوبکر ارجانی آمده است؛ نحوهٔ قرار گرفتن این مطالب نشان می‌دهد که باید از دو نسخه از یک کتاب واحد باشند که در رونویسی و استنساخ، طرز قرارگرفتنشان در یک صفحه با هم متفاوت شده است. البته از این نکته هم نباید غافل بود که سدیدالسلطنه جنگهای دیگری هم مانند مجموعهٔ *الظرایف* و مجموعهٔ *النوادر* داشته است که در برخی جایها عیناً مانند متن مجموعهٔ *الظرایف* است و ممکن است باستانی پاریزی از آنها استفاده کرده باشد. نکتهٔ دیگر که شایستهٔ یادآوری است این است که میرزا یوسف رفسنجانی منشی سدیدالسلطنه بوده و چه بسا هم برای سدیدالسلطنه می‌نوشته و هم برای خودش از هر جا که می‌خواسته و دوست داشته نسخه‌برداری می‌کرده است.^۱ بنابراین، همهٔ این قرینه‌ها نشان می‌دهد که غیر از این نسخه

^۱ آقای عبدالتی احمدی یکی از بازماندگان سدیدالسلطنه بر آن است که میرزا یوسف رفسنجانی شخص مورد اعتمادی نبوده و نوشته‌های سدیدالسلطنه را جابه‌جا می‌کرده است.

موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، احتمالاً نسخه و یا نسخه‌ها و یا حداقل گزیده‌ای از مشوژنامه وجود داشته است.

برای تصحیح متن مشوژنامه چون مصحح فقط یک نسخه در اختیار داشت و آن هم در بسیاری جایها بدخط و یا کم‌رنگ و یا غیر قابل خواندن بود، دشواریهای زیادی پیش رو بود؛ از این رو، برای خوانش بهتر متن از کتابهای گوناگونی چون فرهنگها و لغتنامه‌ها و تذکره‌ها و دیوانهای شاعران و کتابهای تاریخ و تراجم و برخی سایتهای اینترنتی کمک گرفته شده است. هر جا شعری از شاعری پیدا شد با متن مشوژنامه مقایسه شد و اختلافات و احیاناً اشتباهات معلوم گردید. هر حدس و گمان و اجتهادی از سوی مصحح در پاورقی توضیح داده شده است. مصحح هیچ نوع دخل و تصرفی در متن نکرده و هر جا نیاز به درج واژه و یا حرف و عبارتی بوده درون قلاب ([I]) گذاشته شده است و روش تصحیح به نحوی بوده که هرگونه اتفافی که درون متن افتاده در پاورقی گزارش شده و کاملاً رعایت امانت متن شده است و از این جهت متن تصحیح شده قابل اطمینان است. البته برای سهولت در خواندن متن در رسم الخط تغییراتی داده شده و به رسم الخط امروزی با رعایت آیین نگارشی و سجاوندی تبدیل یافته است و در حد امکان از رسم الخط مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی با عنایت به کتاب فرهنگ املائی خط فارسی تألیف علی اشرف صادقی و زهرا زندی مقدم پیروی شده است. درخصوص معنی کردن لغات مشکل باید گفت که گرچه بنا نبوده که این گونه لغتها معنی شود، اما هر جا برای تصحیح متن لازم بوده که به لغتنامه‌ها مراجعه شود، معمولاً همان لغتهای مورد جستجو هم معنا شده است؛ به‌رحال گاهی برای سهولت خوانش متن، هم واژه‌ها معنا شده و هم برخی عبارتها و بیتها توضیح داده شده است.

شیوه تبویب و تنظیم و ساختار کتاب مشوژنامه در شکل خطی آن، بدین گونه است که مؤلف پس از «باسمه تعالی»، فهرستی از مطالب کتاب به دست داده است؛ بدین صورت که ابتدا مطلع شعر و سپس روبه‌روی آن، نام و یا تخلص شاعر و شماره صفحه درج گردیده است؛ در واقع کتاب از فهرست آغاز می‌شود. در متن هم عنوانها که معمولاً تخلص شاعر است، در صفحه‌های سمت راست کتاب در حاشیه سمت راست عبارت شرح حال و در صفحه‌های سمت چپ کتاب در حاشیه سمت چپ عبارت شرح حال قرار گرفته است؛ این مطالب به انضمام اشعار به همین شیوه، سلسله‌وار و پشت سر هم بدون فاصله و یا صفحه خالی تا پایان کتاب ادامه پیدا کرده است؛ در پایان کتاب هم فهرستی از

نام شاعران متن بر اساس حروف الفبا (البته نه به‌طور دقیق) ارائه شده است؛ به نظر می‌رسد که اصل کتاب مشوش‌نامه همین مقدار است که از فهرست ابتدایی آغاز یافته است و به فهرست انتهای کتاب هم خاتمه می‌یابد و تمام این صفحه‌ها هم دارای شماره‌اند؛ اما چون در فایلی که در اختیار مصحح است، یادداشتهایی به همان سبک مشوش‌نامه، البته بدون شماره صفحه، در پایان و دو صفحه عربی هم پیش از فهرستهای ابتدای کتاب آمده است، در تصحیح، همه یادداشتهای در یک‌جا به‌عنوان ملحقات کتاب گرد آورده شد. شایان ذکر است در فهرست ابتدا و انتهای کتاب که پیش‌تر بدان اشاره شد، از هیچ‌یک از عنوانها و یا نام شاعرانی که در یادداشتهای ملحقات آمده، نام و نشانی نیامده است.

فهرستها در متن تصحیح‌شده بدین صورت آمده است که ابتدا نام شاعران براساس حروف الفبا تنظیم یافته، سپس مطلع بیتها نیز بر اساس حروف الفبا به انضمام نام سراینده‌گانشان آورده شده است. شعرهایی با عنوان لادری هم فهرست خاصی ندارند و فقط در میان مطلعهای الفبایی شعرها گنجانیده شده‌اند.

و لله الحمد اولاً و آخراً

مصطفی باباخانی

بندر بوشهر

شهریورماه ۱۳۹۳